



## فهرست مطالب

- ۲ ..... کابینه پزشکیان را صاحبان قدرت چینش خواهند کرد
- ۵ ..... قرارداد «حجمی» همان قرارداد موقت واسارت آو راست
- ۶ ..... گسترش فقر و فروش کلیه در ایران سرمایه داری
- ۷ ..... نگاه یک کارگر آگاه به وضع موجود ایران و انتخابات ریاست جمهوری
- ۸ ..... مروری بر مهمترین رخدادهای مبارزاتی کارگران در تیرماه ۱۴۰۳
- ۱۰ ..... آمریکا بزرگترین دولت تروریستی حال حاضر در جهان
- ۱۲ ..... سخنی در مورد اعتراضات مردم، آینده ایران و اپوزیسیون برانداز وابسته به غرب
- ۱۳ ..... تازه‌ترین آمار جانباختگان، مجروحان و خسارات جنگ علیه غزه تا ۲۸۰ امین روزش
- ۱۵ ..... ما باید خبر کشتار ۱۸۶۰۰۰ فلسطینی را به گوش همه برسانیم. این وظیفه انسانی تک تک هر انسان بیدار
- ۱۶ ..... در حاشیه حضور نانیاهو در کنگره آمریکا
- ۱۷ ..... المپیک پاریس؛ و همدستی با رژیم صهیونیستی و نسل کش اسرائیل
- ۱۸ ..... طبقه‌ی کارگر یا فرودستان
- ۱۹ ..... اتحاد ۱۴ گروه فلسطینی در باره تشکیل «دولت موقت آشتی ملی» برای اداره غزه اقدام مثبتی است
- ۲۰ ..... حمله ۱۷ اکتبر یک اقدام تدافعی بود (مصاحبه با یکی از رهبران دفتر سیاسی سازمان مقاومت حماس)
- ۲۶ ..... ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
- ۲۷ ..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۲۹ ..... پاسخ به یک پرسش در کانال تلگرام
- ۳۰ ..... اطلاعیه در مورد ترور رئیس دفتر سیاسی سازمان مقاومت حماس (اسماعیل هنیه)



## کابینه پزشک‌یان را صاحبان قدرت چینش خواهند کرد

سرانجام مسعود پزشک‌یان که محصول یک انتخابات از پیش مهندسی شده به رهبری سیدعلی خامنه‌ای می‌باشد، رئیس جمهور ایران گردید. آنطور که از شواهد برمی‌آید گزینه رهبر جمهوری اسلامی از قبل مسعود پزشک‌یان "اصلاح طلب" بود.

این بار رهبر جمهوری اسلامی قادر نبود که سناریوی انتخابات دوره سیزدهم ریاست جمهوری را تکرار کند. برای او مسلم بود که اگر دوره قبل که توانست از قبل رئیسی اصولگرا را برای ریاست جمهوری در نظر بگیرد و به همین دلیل کمتر از ۴۰ درصد از واجدین شرایط در رای گیری شرکت کردند، این بار با اتخاذ تصمیم مشابهی، ۳۰ و یا حتی ۲۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت می‌جستند. از این رو در چینش نامزدها تجدید نظر کرد و پزشک‌یان را به عنوان رقیب اصلی جلیلی اصولگرا برگزید و دستگاه تبلیغاتی نظام بر این مبنی بکار افتاد. علیرغم همه تبلیغات گوش و چشم خراش، مجدداً تنها ۳۹/۹۶ درصد در انتخابات دور اول شرکت کردند. در دور دوم اما ۴۹/۸ درصد از مردم در انتخابات شرکت نمودند. چنین به نظر می‌رسد که قریب به ۱۰ میلیون نفر از تحریم کنندگان دور اول، این بار نیز به پزشک‌یان رای دادند تا از رئیس جمهور شدن عنصری تمام قد حزب الهی، خط رهبری و محافظه کاربویژه در عرصه اجتماعی بنام سعید جلیلی ممانعت به عمل آورند.

آقای پزشک‌یان در ۲۹ تیر ماه، محمد جواد ظریف وزیر سابق امور خارجه دوره روحانی را به میدان فرستاد تا اعضای «شورای راهبری انتخاب کابینه» اش را معرفی کند. ظریف در این رابطه

۳۱ نفر را معرفی کرد که بطور عمده از وزیران و کارگزاران دوره ریاست جمهوری خاتمی و حسن روحانی بودند. در میان آنان اعضای «حزب کارگزاران»، «جبهه مشارکت ایران اسلامی» و «حزب اعتماد ملی» که جملگی جزء اصلاح طلبان به شمار می‌آیند، به اضافه اعضای ستاد انتخاباتی پزشک‌یان و تعدادی کارشناس اقتصادی، جامعه شناس، خبرنگار و کارشناس شبکه های اجتماعی هم به چشم می‌خورند. اکثریت قریب به اتفاق افراد پیشنهاد شده جزو ابواب جمعی اصلاح طلبان به شمار می‌آیند که ریاست آن را نیز محمد جواد ظریف به عهده دارد. در میان این ۳۱ عضو ۳ زن و ۲ نفر از اقلیتهای قومی نیز به چشم می‌خورند که آنها نیز در زمره اصلاح طلبانند. بگذریم از اینکه چنین چینشی قصدی جز چهره آرای «شورا» و فریب و وهن زنان مبارز ایران و اقلیت های قومی و مذهبی که تحت تبعیضات گوناگون در کشور ما قرار دارند، دنبال نمی‌کند. پزشک‌یان که بطور عمده همفکران خود را در این شورا به مثابه ابزار انتخاب کا بینه اش گرد آورده، از «دولت وحدت ملی» (و نه ائتلاف) سخن می‌گویند. که البته وحدت ملی بزرگی است در خدمت بقاء نظام. اما همزمان مطرح می‌کنند: «قرار نیست افرادی که با رئیس جمهور همراهی ندارند در کابینه باشند». پزشک‌یان افرادی که با گفتمان رئیس جمهور همخوانی دارند را جمع خواهد کرد. در عین حال ظریف هنگام معرفی شورا علناً اظهار می‌دارد که «خواسته اتاق بازرگانی و بخش خصوصی باید اجرا شود» ولی از خواسته کارگران و سندیکاهای معلمان، پرستاران، کشاورزان و بی‌صدایان سخنی به میان نمی‌آورد. آن‌ها می‌پندارند که با سپردن مصدوری ناچیز به زنان و اقلیت‌های ملی، قومی و مذهبی، توازنی در جامعه برقرار می‌کنند! سال‌هاست که یک زن وزیر نبوده است. آنها دروغ می‌گویند از این قول قرارها زیاد داده اند.

در واقع کا بینه او را صاحبان قدرت چینش خواهند کرد زیرا دولت پزشک‌یان نماینده نئولیبرالیسم در ایران خواهد بود. به گفته‌های او توجه کنیم. او می‌گوید: «من به دنبال کوچک کردن دولت هستم»، «دولت نباید مداخله کند»، «دولت نباید قیمت گذاری دستوری انجام دهد»، «دولت باید از اقتصاد بیاید بیرون»، «بازارها خودشان را تنظیم می‌کنند»، «واردات خود را باید آزاد کنیم»، «تفرقه‌ها را باید برداریم»، «به غیر از بهداشت و آموزش و پرورش همه چیز باید خصوصی شود» (که البته با توجه به عملکرد تا کنونی دولت‌ها - چه اصولگرا و چه اصلاح طلب - به نظر می‌آید که بیان چنین مطالبی از جانب وی فریبی بیش نخواهد بود.

بطور قاطع می‌توان گفت که او ادامه دهنده مطیع فرمان‌های نئولیبرالیستی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول خواهد بود، همانگونه که پیشینانش بودند.

### ارزش برجام

از سوی دیگر ظریف به عنوان سردسته غربگرایان در دولت

انتخابات به آن انتخابات فرجی است که باید به بهترین وجه و با بهترین وعده‌ها آن را آراست.

اما محصول نهایی «شورا» چیزی نخواهد بود که از آن انتظار دارند. گرچه ظریف مدعی است «معیار، دانش و کاربردی است»، ولی به شرط آنکه در جهت منافع ملی، به نفع زحمتکشان، کارگران، بازنشستگان باشد و نه در جهت اعمال سیاست غربگرایی و نئولیبرالی به نفع سرمایه‌های کلان. آن اکثریتی که رای ندادند و یا در دور دوم رای تاکتیکی به پزشک‌های دادند، با حرکت از تجربیات گذشته به درستی انتخابات را تحریم کرد و عملاً هم به ارتجاع مذهبی نه گفتند و هم به اصلاح طلبان فریبکار غربگرا. در واقع «شورای راهبری» ترفندی است در حوزه رسانه‌ای داخل برای فریب مردم. محصول نهایی آن بدون تردید یک جانبه خواهد بود. مطمئن باشیم پزشک‌های با هر گزینه‌ای در کابینه - که فعلاً زمام امور به دست ظریف است - شکست خواهد خورد، زیرا قالیباف، آیت‌الله میرباقری، دولت در سایه جلیلی و جبهه مؤتلفه در کارش اخلال خواهند کرد. میرباقری حتی از هم اکنون دعوی جانشینی علی خامنه‌ای را در سر می‌پروراند. حتی اگر پزشک‌های قول هم بدهد که گشت ارشاد را جمع خواهد کرد برای زنان شجاع ایران که از بعد از ظهور قانون «حجاب و عفاف» جدید به طور وسیع حجاب از سر بر گرفتند، دیگر اثری ندارد.

دختران و زنانی که در رو در رویی با نظام، حتی بدون حجاب در دسته سینه زنی مراسم عاشورا شرکت کردند، عملاً این سنت شیعیان حاکم بر ایران را شکستند و این سنگ‌راهم از آنان ستانند. حیرت آور اینکه ظریف و شرکاء هنوز بعد از این همه خیانت و رسوایی در شکست برجام در پی زنده کردن آن هستند، تو گویی آنها مامورند و معذور تا برنامه هسته‌ای ایران را برای همیشه از حیز انتفاع ساقط سازند. پرسش اینجاست برجامی که میلیاردها دلار به ایران ضرر زد، زنده شود که چه گلی بر سر شما و مردم ایران بزند؟ آمریکا در زمان رژیم شاه وابسته به خودش، حاضر نشد کارخانه ذوب آهن برای ایران بسازد، چون ایران پیشرفته خلاف سیاست توسعه طلبانه و استعماری آمریکا و سیاست‌های تجاوزکارانه و استیلا جویانه اسرائیل در منطقه است. مانمی دانیم قرارداد برجام که در سطل آشغال غنوده است و حاوی این همه نکات منفی است، تا جایی که آن را با قرارداد گلستان و ترکمنچای مقایسه می‌کنند، دارای چه «مهره ماری» است که هنوز عاشقانش در پی احیای آن هستند؟! و چرا مخالفین آن در نظام ماهیت استعماری آن را برای مردم ایران شفاف نساختند، تا دیگر اصلاح طلبان عاشق درگاه امپریالیسم جرات بردن نام آن را در افکار عمومی نداشته باشند تا چه رسد به احیای آن. نکته پایانی اینکه اگر سیاست‌گرایی غیر پیگیر به شرق از سوی حاکمیت در ایران نمی‌بود، که با دور زدن تحریم‌ها با کشور چین و اوراسیا، بویژه روسیه قادر گردد، علیرغم دزدی

پزشک‌های در هنگام معرفی اعضای «شورای راهبری» انتخاب کابینه» با وقاحت کم نظیر از «تعامل غیرتمندانه با جهان در برجام» و از «ارزش برجام» سخن گفت و عملاً به چشم مردم ایران که شاهد خیانت ایشان در مسئله برجام و گردن نهادن به یک سیاست استعماری امپریالیستی بودند و به آن انتقاد مستدل و محکم دارند خاک پاشید. برجامی که میلیاردها دلار به زیان ایران تمام شد که تنها یک رقم آن ۱۵۲ میلیارد است که ایران پس از خروج ترامپ از آن قرار داد ننگین متحمل شده است. پس از توافق هسته‌ای ۱+۵ در تیر ماه ۱۳۹۴ ایران به تمام تعهدات قید شده در برجام عمل کرد. به یاد آوریم که ۱۲۰۰۰ سانتریفیوژ در سال ۹۴ در عرض دو ماه از کار باز ایستاد، در راکتور اراک بتن ریزی شد، از ۱۰ هزار کیلوگرم ذخایر اورانیوم غنی شده ۹۷۰۰ کیلوگرم آن از کشور خارج شد و تحقیق و توسعه در این رابطه از حرکت باز ایستاد. در حقیقت ایران غنی سازی خود را به مدت ۱۵ سال می‌بایست در حد ۳/۶۱ درصد حفظ کند، ۵۰۶۰ سانتریفیوژ از تاسیسات نظیر به سالتی دیگر تحت نظارت مداوم آژانس بین‌المللی اتمی منتقل شدند، و می‌بایست به مدت ۱۵ سال در فردو، فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم و توسعه مربوط به آن تعطیل شود.

ظریف که خود حتی قرارداد برجام را نخوانده بود و در نتیجه نمی‌دانست که در قرارداد به جای «لغو تحریم‌ها»، «تعلیق» تحریم‌ها ذکر شده است و نیز در تابستان ۹۴ در شورای راهبردی روابط خارجی ذکر کرده بود که آمریکا از برجام خارج نمی‌شود! شاهد بود که نه تنها در زمان «اوباما» علیرغم انجام کلیه تعهدات ایران، تحریم‌ها لغو نشد، بلکه بر آن افزوده شد. تا بالاخره در ۱۸ اردیبهشت ۹۷ ترامپ نیز از برجام خارج شد و باز هم بر تحریم‌ها افزود.

ظریف نماد وادادگی و غرب پرستی است. دولتهای اصلاح طلبی که از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ بر سر کار بودند و ایشان نیز عضو آن بود چه گلی به سر مردم ایران زدند؟ ظریف می‌گوید: «اکثر افرادی که در کابینه شرکت خواهند داشت جدید هستند.» و آنگاه پزشک‌های که نه متن را خوانده و نه برجام را، عنان را به دست عناصری چون ظریف (که او هم برجام را نخوانده امضا کرد!) خواهد سپرد. ظریف می‌گوید که کار ما بر مبنای گفت‌وگو پزشک‌های است، ولی هیچ کس از این گفت‌وگو خبری ندارد. «شورای راهبری» یک نمایش است و الا محتوی دولت آینده همانند دولت‌های قبلی اصلاح طلب خواهد بود، فقط شکل آن تغییر خواهد کرد. وحدت ملی هم فریبی بیش نیست و فقط برای مقبول جلوه دادن آن در چشم مردم عنوان می‌شود. در حقیقت این بار اصلاح طلبان برای تصرف کلیه نهادها خیز برداشته‌اند. طبیعی است حاکمیت جمهوری اسلامی که به علت فقدان دموکراسی، سرکوب و عدم آزادی احزاب، سندیکاها، اجتماعات، تورم، گرانی، دزدی، رانت خواری و ... در نزد مردم ایران فاقد مشروعیت و مقبولیت گشته است، تنها به بقای خود می‌اندیشد. از این رو برای حاکمیت از این

که پزشک‌های ایران را احاطه کرده اند هیچ فرصتی را برای تبلیغات ضد شرقی و تمسخر و در نتیجه زیان آور بودن نزدیکی به آنها، و برعکس تبلیغات به نفع غرب و مزایای نزدیکی به غرب و در نتیجه سود آور بودن آن را از دست نمی دهند. در صورتی که امروز با احداث جاده ابریشم، تشکیل گروه اقتصادی بریکس که ۴۰ درصد جمعیت و ۸/۳۷ درصد از اقتصاد کل جهان را تشکیل می دهد و در حال حاضر ۱۱ کشور از جمله ایران در آن عضویت دارند و ۳۰ کشور دیگر در صف انتظار برای پیوستن به آن به سر می برند، سازمان همکاری شانگهای که ۸ عضو دارد و بالاخره گروه اقتصادی اوراسیا با ۱۷ عضو که کشورهای قدرتمند و دارای توان بالای اقتصادی، تکنولوژی و انرژی نظیر چین، هند و روسیه در آنها عضویت دارند و نظام تک قطبی بعد از فروپاشی شوروی را عملاً به چالش جدی کشیده و نظام جدید چند قطبی را جایگزین آن ساخته اند.

نه تنها ایران خودمان که بسیاری از کشورهای جهان از جنبه نظام تک قطبی آمریکا بطور عمده زیان دیده اند. گرایش اصلی امروز جهان به سمت شرق است که در این نوشته مجال پرداختن به آن نیست ولی غربگرایان کند ذهن و بعضاً مغرض که منافع خود را در نزدیکی به غرب می بینند را با این واقعیات کاری نیست. البته خامنه ای که مثل همیشه پیروزی روسای جمهور بکارگمارده اش را از قبل مسجل می داند در آخرین سخنرانی اش می گوید: «از بن دندان باور کنیم که موفقیت ایشان (پزشک‌های) پیروزی همه ماست» ... «توصیه موکد من تعامل سازنده مجلس با دولت جدید است همه کمک کنند که رئیس جمهور بتواند وظایفی را که در قبال کشور دارد انجام بدهد».

«دولت برنامه هایی دارد که مجلس باید از آن حمایت کند» (!!) این امر و نهی «فقیهانه» در حالی صورت می گیرد که نه تنها جلیلی و دولت سایه اش، که از پشتیبانی نمایندگان وابسته به «حزب مؤتلفه» و «جبهه پایداری» و از حمایت آیت الله سید محمد مهدی میرباقری (مدعی جانشینی رهبر) بر خوردار است، بلکه قالیباف و اعوان و انصارش در مقابل پزشک‌های صف آرایی کرده اند و همانند دوره خاتمی و روحانی چوب لای چرخ رئیس جمهور خواهند گذارد. از منظر حزب ما رنجی که ایران می برد از فرد رئیس جمهور و یا فلان وزیر نیست، بلکه نظامی حاکم گشته است که از نظر اقتصادی مسیری را می پیماید که راهنمای آن نئولیبرالیسم، رانت، دزدی، فساد و ... است که با خود رکود تولید و گسترش بازار مصرف کالاهای وارداتی را به ارمغان می آورد.

وظیفه مردم ایران در نهایت سرنگونی این نظام سرمایه داری و چپاولگر بدست خودشان، بدست کارگران و عموم زحمتکشان ایران است.\*

ها و فساد، اقتصاد ایران را از ورشکستگی کامل نجات دهد و به سر نوشت افغانستان، عراق، لیبی و ... دچار نشود. ایران هنوز می بایست کماکان در انتظار اتفاق امپریالیست ها در رابطه با تحریم به سر می برد. دولت دوم روحانی که همین ظریف دستمال ابریشمی بدست نتوانست ذره ای دل بی رحم چپاولگران غرب و در راسش آمریکا را در رابطه لغو تحریم ها بدست آورد. در دوره پزشک‌های و شرکاء نیز داغ آن را به دلش خواهند گذارد. مگر اینکه دولت پزشک‌های به کلیه خواسته های امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا مبنی بر تعطیل کامل برنامه هسته ای، نظامی ایران جامه عمل پوشد، اسرائیل را به رسمیت بشناسد، دستورات بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را مو به مو اجرا کند و دروازه های ایران را به روی سرمایه های غرب و کالا های غربی با شرایطی که آنها تعیین می کنند بگشاید. آنطور که از شواهد برمی آید غربگرایانی که دور شیرینی بنام پزشک‌های گرد آمده اند چنین سیاستی را دنبال خواهند کرد. اتاق بازرگانی اتفاقاً سیاست واردات و مصرف را دنبال می کند و نه رشد تولید در کشور، که لازمه رشد اقتصادی سالم و کاهش تورم است. باید از این عناصر کودن و نیز افرادی نظیر تاج زاده که در ارزیابی هایشان گرایش به شرق را به زیان ایران و نزدیکی به غرب را راه نجات ایران می نمایانند پرسید: چرا باید به سمت غرب که خود با دنبال کردن سیاست میلیتاریستی، دو جنگ اوکراین و غزه را مدیریت می کند و در حال تحریک و تدارک جنگ سوم علیه چین از کانال تایوان است و در همین رابطه اتحادیه اروپا با اعمال سیاست های ارتجاعی و در عین حال احمقانه تحریم کشورهای انرژی زا، نظیر روسیه و ایران خود را در منگنه فشار کمبود انرژی و بحران اقتصادی، به علت افزایش سرسام آور قیمت حامل های انرژی و کاهش تبادل کالا قرار داده است پرسید که: چرا در چنین شرایطی گرایش به غرب به سرکردگی آمریکا که خود از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون مسبب ۱۶ جنگ تجاوزگرانه بوده و باعث کشتار، مجروح و اداره ساختن میلیون ها نفر گشته است و ... راه چاره است؟ آیا شما نمی دانید که دولت های غربی و در راسش آمریکا بزرگترین بدهکاران جهانند و امروز در تهیه بودجه های تأمین اجتماعی، عمرانی و حتی نظامی خود و کمک نظامی به اوکراین درمانده اند؟ چرا باید گرایش به غرب را دنبال کرده در حالیکه طبق شواهد موجود و نظر کارشناسان برجسته و بی طرف ستاره غرب به ویژه آمریکا آهسته ولی پیوسته در حال افول است؟ اینکه یک کشور مستقل می تواند و باید مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ممالک جهان داشته باشد و در عین حال اصول حفظ استقلال امنیت، صلح، تمامیت ارضی و مناسبات عادلانه و منصفانه اقتصادی بُرد بُرد را از دیده فرونگذارد، امریست طبیعی. گرچه آقای پزشک‌های - تحت فشار و تئوریت علی خامنه ای هنوز ظاهراً و حرفاً از نزدیکی به شرق استقبال می کند، لیکن ظریف و همپالگی های سیاسی و اقتصادی اش

تعاون، کار و رفاه اجتماعی با صدور بخشنامه شماره ۳۵۷۲۳ در سال ۷۳ به کارفرمایان مجوز داد که در مشاغلی که ماهیت مستمر دارند با کارگر قرارداد موقت ببندند. دو سال پس از صدور این بخشنامه، دیوان عدالت اداری با صدور دادنامه ۱۷۹ بخشنامه ۳۵۷۲۳ را تایید کرد. این تصمیمات سبب شده است تا اراده کارگر برای داشتن قرارداد دائم در کارهایی با ماهیت مستمر از بین برود. صدور دادنامه ۱۷۹ سبب شد که اراده کارگر در هنگام عقد قرارداد از بین برود و حاکمیت اراده به طور کامل در دستان کارفرمایان قرار گیرد حال آنکه حاکمیت اراده دو طرف یعنی کارگر و کارفرما در هنگام عقد قرارداد ضروری است و باید مورد توجه قرار گیرد. این قراردادهای ضد کارگری و تئولیرالی به معنای این است که پیمانکاری در ظاهر تقلیل می‌یابد و به صورت انفرادی ظاهر می‌شود. عقد قرارداد حجمی میان کارگر و کارفرما نه تنها قانونی نیست؛ بلکه با قراردادهایی که در سایت وزارت کار بارگذاری شده، مغایرت دارد زیرا تمامی قراردادهای باید منطبق بر وزارت کار باشند از طرفی مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و قانون کار مشخص می‌کند که یک کارگر نباید بیشتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کند اما به دلیل اینکه بنیان اشتغال متزلزل و قراردادهای بسیار سست هستند، نیروی کار حق اعتراض برای این موضوع ندارند. دولت موظف است که در کارگاه حضور داشته باشد و در فصل چهارم قانون کار، بازرسان را مکلف کرده‌اند که در کارگاه‌ها حضور داشته باشند و به وضعیت آن رسیدگی کنند اما از آنجا که تصمیم بر این است تا دولت را کوچک کنند و از وظایف او بکاهند، از تعداد بازرسان کار هم کاسته شده است. ماده ۱۰ قانون کار مولفه‌هایی مثل نوع کار، وظیفه کارگر، ساعات کاری و تعطیلات را مشخص می‌کند. حتی اگر قرارداد کاری کارگران حجمی باشد، بازهم باید ساعت کاری داشته باشند. نیروی کار در هفته نباید بیشتر از ۴۴ ساعت کار کند اما نحوه کار کارگرانی که تن به این قراردادهای می‌دهد به نحوی است که بیشتر از ساعات قانونی در نظر گرفته شده، اشتغال دارند. کنوانسیون شماره ۱۴ سازمان بین‌المللی کار در سال تصویب ۱۹۲۱ شد و این مقاله‌نامه را در سال ۱۹۷۲ توسط ایران پذیرفت. بر اساس این مقاله‌نامه، کارگران شاغل در بخش‌های مختلف صنعتی در هر هفته می‌بایستی از حداقل یک روز استراحت برخوردار باشند. همچنین میزان ساعت کار پذیرفته شده در هفته نیز ۶ روزی کاری هشت‌ساعته یا ۴۸ ساعت در هفته است. «قرار دادحجمی» که سالهاست به اجرا درآمده است شکلی از برده داری نوین در قالب تئولیرالیسم و از توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است که از دوره هاشمی رفسنجانی به اجرا درآمده و تمام دولت‌های جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف مدافع آن بوده و در مقابل کارگران و سرکوب آن متحد عمل کرده‌اند. امروز لغو پیمانکاری، استخدام دائمی و افزایش دستمزد و ایجاد تشکل مستقل کارگری که بتوان بطور جمعی در مقابل تعرض افسارگسیخته بورژوازی ایستاد و با آن مقابله کرد، خواست همه کارگران ایران است. در مقابل تهاجم متحد طبقه سرمایه دار کارگران نیز باید بعنوان یک طبقه متحد شوند و اراده شان را بر حاکمیت تحمیل کنند.\*



## قرارداد «حجمی» همان قرارداد موقت و اسارت آور است

یکی از انواع استخدام‌های موقت در شرکت‌های پیمانکاری «حجمی» نامیده می‌شود. این شکل از استخدام در تاریخ هجدهم فروردین سال ۱۳۹۱ از طرف دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی به کانون‌های صنفی کارفرمایان ارائه شد. بر اساس ساعت کاری که فرد در اداره انجام می‌شود، حقوق دریافت می‌کند. افرادی که در این نوع از استخدام فعال می‌شوند معمولاً زیر نظر یک کارفرما یا پیمانکار کار می‌کنند. پیمانکاران این افراد را به اداره یا ارگان معرفی می‌کند و خودش حقوق و مزایای آنها را بر عهده می‌گیرد البته حق الزحمه این گونه افراد از اداره متبوع دریافت و بعد از کسر درصدی به کارگر پرداخت می‌شود. در نفت و گاز و پتروشیمی با درج عنوان دلخواه بر روی قراردادهای حجمی کارگران و تحمیل آن بر کارگر با فریب توسط پیمانکار کارگران را در مورد امور مسئولین مسئول قرار می‌دهند و مسئول نیز اقدام به حذف ردپای سو استفاده‌های خود کرده و اسناد فساد و غارت خود کارگران را با ترور شخصیت و پرونده سازی و اخراج و سرکوب می‌کنند قانون‌گذار درباره برخورداری کارگران در ماده ۸ قانون کار نوشته است: شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید محرومیت از حداقل‌ها، تنها مشکل قراردادهای حجمی نیست بلکه کارگرانی که به این قراردادهای تن می‌دهند با مشکلات فراوانی روبرو هستند. متداول شدن قراردادهای حجمی پیمانکاری به اندازه متداول شدن قراردادهای موقت و سفیدامضا در دهه ۷۰ برای امنیت شغلی نسل امروز کارگران ایران یک تهدید محسوب می‌شود. فعالان کارگری با انتشار بیانیه‌هایی اعلام کرده‌اند که، وزارت

سانسور رسانه‌ها از فروش اعضای بدن در ایران منتشر شده، نشان می‌دهد فروش اعضای بدن طی سال‌های گذشته به امری شایع به یژه در میان جوانان تبدیل شده است.

نئولیبرال‌های ایرانی جامعه‌ای داروینی «قوی‌ترین، بهترین» را ترسیم می‌کنند و در جهنم اقتصادی جمهوری سرمایه داری اسلامی برای حزب الهی‌ها و وزرای سابق با حساب‌های بانکی چاق و چله که حالا راه رستگاری خویش را تا دیروز در حفظ «بیضه اسلام» می‌دیدند و در ایجاد دستگاه کشتار و شکنجه دین مبین سرو جان فدا می‌کردند و امروز برای جلوگیری از «خطری مهلک برای آزادیهای فردی» لباس «لیبرالیسم» تن کرده و در این راه از حمایت بخشی چپ‌های بریده ضد کمونیست برخوردارند، نسخه می‌پیچند. این فقر و فلاکت اقتصادی پیامد بیش از چهار دهه سیاست تعدیل اقتصادی یا نئولیبرالی است که توسط سردمداران جمهوری اسلامی با خشن‌ترین شکل ممکن در ایران پیاده شده است و امروز آقای مسعود پزشکیان ادامه این ماموریت دردست گرفته است.

این آقایان معمم و غیرمعمم در شمار دشمنان قسم خورده کارگران و زحمت‌کشان ایرانند و تلاش کثیفی را برای انداختن کامل ایران به دامن نئولیبرالیسم امپریالیستی مدتهاست آغاز کرده‌اند. اینان به جای نشان دادن جنایات نئولیبرالیسم که امروز بیش از یک سوم جهان را به فقر و حشتناکی کشانده و وحشی‌گری و قساوت را به حداعلا رسانده حرف نمی‌زنند، اما صفحات روزنامه‌ها و مجلات و کتابهایی در تبلیغ نئولیبرالیسم، «ضرورت خصوصی سازی و آزادی سرمایه» و تخطئه‌ی کمونیسم سر از پا نمی‌شناسند. وظیفه کمونیست‌ها در شرایط کنونی در دو عرصه عملی و نظری، یکی مبارزه سرسخت ایدئولوژیک با نئولیبرالیسم و تمام مظاهر پوسیده و ضد بشری نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم بعنوان یک چشم انداز روشن و تنها راه حل نهایی برای رهایی از فقر و گرسنگی و استثمار و تبلیغ تشکیلات و حزبیت از یک سو و از سوی دیگر مبارزه عملی برای حقوق صنفی و رفاهی و ایجاد تشکل مستقل توده‌ای کارگران و زحمتکشان در سطوح مختلف باید دردستور تعطیل نشدنی همه کمونیست‌ها قرار گیرد. راهی جز این برای خلاصی از این فقر و فلاکت و کلیه فروشی متصور نیست.\*

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است**



## گسترش فقر و فروش کلیه در ایران سرمایه داری

سال گذشته روزنامه «جهان صنعت» در گزارشی که خیلی زود از خروجی شماری از خبرگزاری‌ها حذف شد افشا کرده بود به‌رغم سقف ۸۰ میلیونی فروش کلیه، قیمت آن در بازار سیاه شهرهایی مانند تهران از ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان در نوسان است و افزایش قیمت آن به مواردی مانند بدحال بودن بیمار و گروه خونی اهداکننده و گیرنده بستگی دارد. بر اساس این گزارش، تمام اعضای قابل پیوند بدن انسان از کلیه گرفته تا یک‌چهارم کبد، در بازار سیاه فروش عضو موجود است و از ۱۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان بر سر قیمت آن توافق و چانه‌زنی می‌شود. این گزارش همچنین از کوچکی که در نزدیکی میدان ولی‌عصر تهران، روبه‌روی کاخ دادگستری قرار دارد به «بازار فروش کلیه» معروف شده اشاره کرد و گفت در این محل آگهی‌های مختلف فروش از قرنیه تا اسپرم و تخمک را می‌شود دید. در گزارش جهان صنعت، علت اقدامات شهروندان برای فروش اعضای بدن، «مشکلات مالی» عنوان شده و گفته بود فروشنده‌گان با انگیزه تامین معاش دست به فروشی می‌زنند و بیماران برای تامین سلامت، خانه و زندگی خود را می‌فروشند تا عضو سلامتی را در بازار سیاه بخرند. این روزنامه به اتهام انتشار مطالب غیرقابل استناد با حکم قضایی محکوم شد، اما بررسی گزارش‌هایی که به‌رغم

# نان من کو؟؟؟

میانی جامعه را سرکوب کرده و به حاشیه فرستادند و یا با دادن تکه استخوانی به فساد کشاندند و عقیمشان کردند.

حال این حاکمیت سرمایه داری که نامش جمهوری اسلامی است، در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری چنان از جامعه دور شده است و دوروبرش را خالی کرده که اگر به صرافت نیفتد و به مطالبات کارگران و زحمتکشان، به خواسته‌های زنان و جوانان و به حق و حقوق شاغلان و بازنشستگان پاسخ درخور ندهد، با خطر طغیان و شورش کور و مداخلة خارجی روبرو خواهد شد و معلوم نیست کشور سر از کجا در خواهد آورد.

با نیم نگاهی به تمام آنچه در این انتخابات فرمایشی و کنترل شده اتفاق افتاد می‌توان درک کرد که از مسئولین و این نظام و سرمایه داران حاکم آبی برای این ملت و مرز و بوم گرم نمی‌شود.

شش نماینده نئولیبرال در مقابل چشم همگان شعارها و برنامه خود را برای رضای الیگارش های اتاق بازرگانی و (جامعه جهانی) و یا بطور دقیقتر برای رضایت غرب و سرمایه داران داخلی و خارجی مطرح کردن و تنها در آخرین دقیقه بازی به یاد کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان افتادند تا بلکه از زحمتکشان برای شعله‌ور شدن تنور انتخابات سوءاستفاده کنند.

ما کارگران و زحمتکشان می‌بایست خود به ایران، این وطن کهن اقوام و ملل گوناگون، به فکر مردم و به فکر خود باشیم و برای ایران مستقل و سرفراز، برای داشتن یک زندگی شایسته، برای آینده روشن و زیبای نسل های آینده به تشکل یابی و مبارزه هدفمند روی آوریم. می‌بایست آگاهانه و با برنامه تشکل های مستقل صنفی و دمکراتیک خود را در اشکال متنوع سازمان دهیم و با تشکیل اتحادیه سراسری کار و زحمت مبارزه متشکل و واحدی را در ایران رقم بزنیم.

ما کارگران بدون تشکل مستقل وصف متحد و در نهایت بدون حزب رزمنده واحد طبقه کارگر نمی‌توانیم به حقوق خود دست یابیم و سرانجام به بساط نظام پوسیده سرمایه داری پایان دهیم. چاره ما کارگران وحدت و تشکیلات است و نه دنباله روی از این یا آن جناح سرمایه داری! حفظ استقلال و موجودیت میهن ما به صف متحد و آگاه ما کارگران و زحمتکشان که اکثریت قاطع جمعیت را تشکیل می‌دهد وابسته است. <sup>\*</sup>

## نگاه یک کارگر آگاه به وضع موجود ایران و انتخابات ریاست جمهوری

نامه دریافتی

در بخشی از این نامه چنین می‌خوانیم.....

"من عمیقاً نگران جامعه ایران هستم و از پراکندگی و فقدان تشکل مستقل و متحد و نیرومند رنج می‌برم.

باید از اینجا شروع کنم که بزرگترین دستاوردی که در انقلاب بهمن به دست آمد، برانداختن سلطه بورژوازی کمپرادور دلال وابسته به امپریالیسم آمریکا و رژیم سلطنت پهلوی، بیرون ریختن چهل هزار مستشار نظامی، خروج از پیمان نظامی سنتو، قطع روابط با رژیم صهیونیستی و نژاد پرست اسرائیل و قطع روابط محرمانه با رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و کسب استقلال سیاسی بود. هر چند که مصادره کنندگان انقلاب ۵۷ نگاه و نظر موافقی به شعارهای مطالباتی و عدالتخواهانه توده مردم و خصوصاً کارگران و زحمتکشان نداشتند ولی با پنهان کردن آنچه در ذهنشان می‌گذشت و طرح شعارهای به ظاهر مردمی در شکل مستضعف پروری بر موج اعتراضات در انقلاب سوار شدند و قدرت سیاسی را به دست گرفتند.

روحانیت و بورژوازی تجاری سنتی، با تمام نشانه‌های فرهنگی که از دوران ماقبل سرمایه داری به همراه خود داشتند، اما در طی مدتی در زیر چرخ سنگین، قدرتمند و شکننده سرمایه داری ایران و جهان، آنچه را که تمایل به انجام آن داشتند (با تغییرپذیری فراوان در جهت همراهی با سرمایه داری)، همراه با سیاست‌های دولت پنهان جهانی مسلط بر سازمان های مالی، صنعتی، تجاری، فرهنگی و ... خود را منطبق کردند. با اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی هاشمی رفسنجانی به سرکوب طبقات فرودست و متوسط جامعه پرداختند و یک به یک نیروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی طبقات زیرین و



## مروری بر مهمترین رخدادهای مبارزاتی کارگران در تیرماه

۱۴۰۳

در یک ماه گذشته اعتراضات کارگری به شکل مراجعه به مسئولان، نامه نگاری، اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و ... در یک محل کار و یا بصورت سراسری بدون توقف ادامه یافت. کارگران و زحمتکشان که با مشکلات عدیده‌ای در صحنه کار و زندگی روبرو هستند، حتی یک لحظه، نه صحنه مبارزاتی را ترک کردند و نه عرصه را برای یک تازی سرمایه‌داران زانو صفت و مسئولان ثنولیرال حکومت خالی گذاشتند.

جمهوری سرمایه‌داری اسلامی که مدت‌ها بود، شعارهای بی‌محتوا و فریبکارانه خود «در باره مستضعفان و مستکبران» را دیگر فراموش کرده و گمان می‌برد بر اوضاع مسلط است و به کارگران و زحمتکشان نیازی ندارد، با احساس خطر از طرف کارگران، برای فریب، تصمیم گرفت تا در تعیین حداقل دستمزد، نمایندگان از کارگران که دولتی و گوش به فرمان نبودند را به شورای عالی کار بپذیرد، ولی با عدم پذیرش مزد پیشنهادی «میر غفاری و دیگر کارگران» و خروج این کارگران از شورای عالی کار، نشان داد که هنوز در بر همان پاشنه سابق می‌چرخد. هرچند که همان مزد پیشنهادی ۱۵ میلیونی نیز برای یک زندگی شایسته کافی نیست!

هم‌اکنون نیز بعد از کشته شدن رئیسی در حادثه سقوط هلی کوپتر و شروع صحنه‌سازی انتخابات مهندسی شده، بار دیگر نظام «مستضعف پرور و مستکبر ستیز؟!» بدون توجه به کارگران و مسائل ریز و درشت اقشار به فقر کشانده شده، سعی کرد تا رضایت سرمایه‌داران اتاق بازرگانی و طبقه بورژوازی و قدرت‌های غربی را بدست آورد ولی با شکست سنگین «تحریم» از جانب اکثریت مردم مواجه شد. بعد از آن بود که گویی سرش به سنگ سخت واقعیت خورده باشد، به یکباره

مسائل کارگران و زحمتکشان را به مسأله آزادیهای فردی اضافه کرد و مسائل را به موضوعات اصلی انتخابات تبدیل کرد و هم‌اکنون نیز برای دور ساختن شورش گرسنگان بازی «انتصاب وزیر کار» را راه انداخته‌اند. تا چنین نمایش دهند که گویا با آوردن «علیرضا محبوب» خیال حل مشکلات کارگران را دارند، تا به این ترتیب باز هم چند سالی کارگران و زحمتکشان و اقشار «پرت شده به دره فقر» جامعه را بفرینند. زهی خیال باطل! حمایت‌های فرمایشی تشکلات دولتی ضد کارگری به نام کارگر از «محبوب» نیز چاره‌ساز نخواهد بود و کارگران همچون گذشته به مبارزات حق طلبانه خود ادامه می‌دهند.

نظام مقدس! اسلامی برای پیش بردن سیاست‌های ثنولیرالی خود علاوه بر فریبکاری، از سیاست تهدید، پرونده‌سازی، سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام نیز استفاده می‌کند تا هرگونه مقاومت و مبارزه‌ای را محو و نابود کند. ولی کارگران و دیگر زحمتکشان شاغل و بازنشسته را نمی‌توان با فریب و غل و زنجیر به بردگی راضی و یا ساکت کرد.

تجمعات، اعتصابات و دیگر اشکال اعتراضی کارگران با مطالباتی چون «اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه، سطح پایین حقوق و مزایا، عدم اجرای همسان‌سازی، عدم اجرای تعهدات درمانی، عدم اجرای قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌ها، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، اعتراض به اخراج، عدم حذف نیروهای پیمانکاری، اعتراض به وضعیت ایمنی کار و کشته و مصدوم شدن کارگران، خواست آزادی فعالان صنفی و ...» در تیرماه نیز ادامه یافت. در ادامه مروری داریم بر مهمترین رخدادهای مبارزاتی کارگران شاغل و بازنشسته.

### نفت، گاز و پتروشیمی

اعتصاب سراسری (کمپین ۱۴-۱۴) از روز ۳۰ خرداد آغاز شد و کماکان ادامه دارد. تاکنون بیش از ۲۴۰۰۰ کارگر پیمانی در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و دیگر مراکز نفت و گاز و نیروگاهی در بیش از ۱۲۰ شرکت پیمانکاری، برای «حذف پیمانکاران از عرصه‌های نفت و گاز و نیروگاهی، اجرای ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت، افزایش دستمزد و مطالبات دیگر همچون بهبود شرایط خوابگاه‌ها، شرایط کاری و ایمنی محیط کار و ...» به این اعتصاب پیوسته‌اند.

گرمای هوا، سرویس‌های بدون کولر، خوابگاه‌های پر از حشره و نبود حمام و حتی گاهی دستشویی، از مشکلات بعضی از خوابگاه‌هاست! عدم افزایش حتی ۳۵ درصدی حقوق‌ها برای بعضی از کارگران و لحاظ نکردن تورم ۴۵ درصدی (طبق آمار رسمی) در افزایش حقوق‌ها از فشارهایی است که زندگی را برای کارگران سخت و غیر قابل تحمل کرده است.

اولین دوره کمپین کارگران پروژه‌ای در سال ۱۳۹۹ با درخواست «افزایش دستمزد دو برابری و ۲۰ روز کار، ۱۰ روز استراحت»



را احضار کردند و یا به حبس و جریمه محکوم ساختند. ولی کارگران و معلمان و پرستاران و دیگر مطالبه‌گران در تجمعات اعتراضی خود این عزیزان در بند را فراموش نکرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط این عزیزان «محسن عمرانی، عزیز قاسم‌زاده، شکراله احمدی، علی احمدی، دیاکو علوی، رسول بداغی، محمد حبیبی و دیگر فرهنگیان و کارگران شاغل و بازنشسته زندانی» شدند.

### بازنشستگان

بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات، کشوری، گروه فولاد، معادن و ... در تیر ماه نیز همچون گذشته اعتراضات خود را بدون وقفه ادامه دادند، هر چند که به دلیل طولانی شدن مبارزه و نبود ایده‌های جدید و روشن نبودن افق مبارزات، نسبت به سال گذشته از تعداد شهرهای محل تجمع و تعداد شرکت کنندگان کاسته شده است.

بازنشستگان تأمین اجتماعی و بازنشستگان فولاد بطور پیگیر برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود در روزهای یکشنبه هر هفته در اعتراض به «شرایط بسیار بد معیشتی، مستمری‌های ناچیز، گرانی، تورم، فقر، فساد، تبعیض و ...» در شهرهای «شوش، تهران، گیلان، کرمانشاه، اهواز، اصفهان، ساری، سوادکوه، دامغان و ...» تجمعات اعتراضی ترتیب می‌دهند و خواستار «بهبود معیشت و ترمیم مستمری، ارائه خدمات درمانی رایگان و بهبود خدمات رفاهی، اجرای طرح تکمیلی همسان‌سازی، دریافت مطالبات معوقه و همچنین خواستار آزادی کارگران و معلمان زندانی» می‌شوند.

بازنشستگان مخابرات نیز در روزهای دوشنبه هر هفته در شهرهای «اصفهان، تهران، اهواز، کرمانشاه، اردبیل، تبریز، ارومیه، سنندج، میوان، زنجان، بندرعباس، رشت، خرم‌آباد، همدان، شهرکرد، بیجار و ...» تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار «اجرای کامل آیین‌نامه استخدامی پرسنلی ۸۹، همسان‌سازی حقوق‌ها، اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون خدمات کشوری و تبصره ۲ ماده ۳۳ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و رفع مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی» می‌شوند.

همچنین بازنشستگان مس رفسنجان، ذوب آهن اصفهان و معادن زغال سنگ شهرهای کرمان و دامغان در اعتراض به حقوق‌های ناچیز، کاهش خدمات بیمه‌ای، شرایط اسفناک معیشتی و عدم توجه مسئولان به مطالباتشان در شهرهای خود دست به تجمعات اعتراضی زدند.

افزایش حقوق‌ها متناسب با رشد تورم و گرانی اجناس و خدمات درمانی مناسب، مسئله بسیار مهمی برای بازنشستگان است و نباید به‌ر دلیل، یک بازنشسته‌ی حداقل‌بگیر یا خانواده‌ی او از داشتن مسکن مناسب، مایحتاج‌زندگی و خدمات درمانی محروم شوند.

### کارگران آبفا و شهرداری

کارگران پیمانکاری شبکه آب و فاضلاب شهرستان رودبار

کلید خورد، اما در سال ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ مطالباتی چون بهبود امکانات رفاهی (رسیدگی به وضعیت کمپ‌های اقامتی و سرویس‌های رفت و آمد کارگران)، پرداخت به‌موقع بیمه و کوتاه شدن ساعات کار نیز به سایر خواسته‌های کارگران اضافه شد.

کارگران نفت، گاز و پتروشیمی شاغل و یا اخراجی طی ماه‌های اخیر از جمله در ماه خرداد، تجمعات زیادی داشته‌اند که می‌توان به اعتراضات کارگران «شرکت فراب در پتروشیمی اصفهان، کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره، کارگران پیمانکاری پتروشیمی شرکت ارغوان‌گستر ایلام، کارگران پتروشیمی دماوند، کارگران نفت و گاز گچساران، کارگران پتروشیمی جوار ایلام، کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، کارگران پروژه‌های سایت‌های ۱، ۲ و ۳ پتروپالایش، کارگران شرکت‌های پایندان، اکسیر صنعت و (آی پی ام آی) در فاز ۱۴ کنگان، کارگران پیمانکاری شرکت کیان‌سازه، کارگران پیمانکاری پارس جنوبی و برخی دیگر از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی» اشاره کرد. عمده‌ترین دلیل اعتراض کارگران به گفته «مازیار گیلانی‌نژاد»: «دستمزد، نوع قرارداد، بیمه و ایمنی» می‌باشد.

کارگران ارکان ثالث، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و دیگر تشکلات مستقل کارگری حمایت خود را از کارگران پیمانی اعتصابی اعلام داشتند.

همچنین فدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال، سندیکاهای کارگری سوئد، اتحادیه ملی کارگری راه آهن، دریانوردی و حمل و نقل انگلیس و فدراسیون کارگری فرانسه، حمایت کامل خود از اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در ایران را اعلام کردند.

متأسفانه باز هم فشارهای ناشی از بی‌کاری، حقوق‌های اندک، تورم و گرانی و مشکلات عدیده دیگر امان بعضی از کارگران را برید و کارگرانی در نبود تشکلات مستقل کارگری فراگیر، از روی ناامیدی دست به خودکشی زدند که خوشبختانه با کمک دیگر کارگران و اطرافیان خود نجات یافتند. ولی تقریباً هر روز بر اثر نبود شرایط ایمنی مناسب و یا نداشتن آموزش‌های ایمنی کافی، کارگرانی طعمه حرص و آز سیری ناپذیر صاحبان سرمایه می‌شوند.

### فرهنگیان

درحالی که معلمان خرید خدمت، بازنشستگان فرهنگی، معلمان و استادان به اشکال مختلف به شرایط شغلی و معیشتی خود در اینجا و آنجا، در این شهر و آن شهر دست به اعتراض می‌زنند، نیروهای امنیتی، انتظامی و دستگاه قضایی کشور به‌سرکوب فرهنگیان دست می‌زنند و فعالان صنفی فرهنگی را نیز همچون دیگر فعالان صنفی، مدنی و سیاسی به‌بند می‌کشند. در تیر ماه نیز برای بسیاری از فرهنگیان پرونده‌سازی کردند و بسیاری



## آمریکا بزرگترین دولت تروریستی حال حاضر در جهان

امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی بشریت است. این سخن درست و در صحیفه‌ی تاریخ ثبت است. اما این گفته یک خطی، حق مطلب را برای اکثر خوانندگان جوان و نه‌چندان سیاسی، ادا نمی‌کند. لذا باید لفظ «دشمن بشریت» را قدری باز کرد و بیشتر توضیح داد.

وقتی می‌گوییم دولت آمریکا دشمن بشریت است (فرقی نمی‌کند که قدرت در دست «دموکرات‌ها» باشد و یا «جمهوری‌خواهان») یعنی اینکه دشمن مردم عرب، ایران، فلسطین، روس، چین، آفریقا، اروپا، آسیا، آمریکای لاتین، کشورهای هندوچین و حتی خود مردم آمریکا است. در تایید این ادعا کفایت نگاهی به تاریخ جنگ‌ها، تجاوزات، کودتاها، توطئه و خرابکاری‌های دولت ایالات متحده آمریکا از بعد از جنگ دوم جهانی در ۶۰ کشور جهان در کتاب ارزشمند «کشتن امید» نوشته «ویلیام بلوم» و ده‌ها کتاب و صدها نوشته و مقالات دیگر بیندازیم! چرا آمریکا دارای چنین خصلتی است؟ زیرا که ماهیت و سرشت سیستم امپریالیسم مالی و نظامی ابرقدرت آمریکا، همواره در جهت تسلط بر جهان و کسب هرچه بیشتر سود و سرمایه است و بر این اساس ضدکارگر، ضدزن، نژادپرست، ضد رنگین‌پوستان، بویژه سیاهان، ضدسوسیالیسم، ضدکمونیسم، ضددموکراسی، ضدحقوق بشر و ضدکشورهایی است

در اعتراض به معوقات مزدی و با مطالبه حذف شرکت‌های پیمانکاری دست به اعتصاب دو هفته‌ای و تجمع زدند و خواستار «پرداخت کامل بدهی‌های مزدی، عقد قرارداد مستمر و دائم، شکل‌گیری نهاد مستقل کارگری، تامین امنیت شغلی کارگران، دادن حق اعتراض و بیان مشکلات صنفی از سوی کارگران و مشخص شدن زمان پرداخت حقوق در هر ماه» شدند ولی در نهایت کار و شغل خود را رها کردند تا مطالباتشان اجابت شود. یکی از درخواست‌های کارگران پیمانکاری در شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ نیز حذف پیمانکاران است که به‌برای آن دست به تجمع چند روزه زدند و خواستار پیگیری وضعیت شغلی و استخدامی خود شدند.

کارگران شهرداری‌ها نیز در شهرهای «شهرکرد، قوچان، کوه عبدالله، یاسوج و رودبار» با مشکلات مشابه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند از جمله «معوقات مزدی، عدم امنیت شغلی، معوقات بیمه و...» که برای بدست آوردن حق و حقوق طبیعی خود که از آن بی‌بهره‌اند علاوه بر مراجعه و نامه‌نویسی به مسئولان به اعتصاب و تجمع نیز دست زده‌اند ولی متأسفانه گوش شنوایی نیست و نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

### کارگران صنف‌های مختلف

کارگران شرکت صنایع خمیر و کاغذ دیبای شوشتر، کارگران قراردادی «سیستم‌های صنعتی» در تاکستان، کارگران نهبان شرکت «آینده‌سازان» لوشان، کارگران راه‌سازی «بجستان به فردوس» در استان خراسان رضوی، کارگران سمپاش، لاروکش و به‌ساز محیط علوم پزشکی چابهار، کارگران اخراجی مطالبه‌گر و حق جوی گروه ملی فولاد اهواز، پرستاران کوشا و از جان گذشته شهرهای مختلف، نیروهای شرکتی اخراجی مخابرات خوزستان همانند کارگران اصناف دیگر در اعتراض به چندین ماه معوقات مزدی و بیمه‌ای، فوق‌العاده شغل و سایر مزایای شغلی و نداشتن امنیت شغلی علی‌رغم تهدیدهای کارفرمایان و دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و اداری، در روزهای مختلف و بعضاً چندین روز دست به اعتصاب، اعتراض و تجمع زدند. و خواستار رسیدگی به مطالبات خود و حذف شرکت‌های پیمانکاری شدند.

کارگران نه فریب سیاست‌های ریاکارانه را خواهند خورد و نه مرعوب تهدیدها و غل و زنجیر خواهند شد. بلکه تحت رهبری تشکلات مستقل صنفی و حزب رزمنده طبقه کارگر به مبارزه ادامه خواهند داد تا طعم پیروزی را بچشند و یک زندگی شایسته و انسانی بدست آورند.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است\*

دو حزب « دموکرات و جمهوری » به سمتی سوق داده می‌شوند که از آن بوی باروت به مشام می‌رسد. مدتی است که جنگ قدرت در هیئت حاکمه آمریکا، ناشی از اوضاع بد اقتصادی، بحران‌های عمیق اجتماعی، بیکاری، فقر، اعتیاد و بدهی‌های بالای ۳۰ تریلیون دلاری دولت، شکست و هزینه‌های سنگین در جنگ اوکراین و کمک‌های مالی و تسلیحاتی به ارتش فاشیست اسرائیل برای کشتار مردم فلسطین، بالا گرفته و از حد فحاشی و کلمات توهین‌آمیز به یکدیگر نظیر « تفاله انسان » « دیوانه » و « احمق » و « فاشیست » و غیره عبور کرده و جای خود را به حذف رقیب از صحنه سیاست داده است.

جوانکی، معلوم نیست با چه انگیزه‌ای، با تفنگ نیمه‌خودکار در بالای ساختمانی نه‌چندان بلند و در فاصله ۱۰۰ متری محل سخنرانی ترامپ، ظاهراً بدور از چشم محافظین و ده‌ها مامور لباس شخصی و مسلح از « اف بی آی » و نیروهای امنیتی و به‌رغم نادیده گرفتن گزارش شاهد عینی از حضور مردی مسلح در بام ساختمان، با تیراندازی غیرحرفه‌ای و ناشیانه، یک کشته و دو نفر زخمی بجای می‌گذارد و گوش سوژه هم خراش بر میدارد! و این سناریو، اعتبار دونالد ترامپ را در بین مردم و خصوصاً هوادارانش را بالا برده و خوش به حال وی می‌شود! در این میانه ابراز خوشحالی کردن از سلامتی ترامپ توسط باراک اوباما، جورج بوش، بیل کلینتون و جیمی کارتر و بایدن که هر یک در عهد خود میلیون‌ها انسان را در یوگسلاوی، سوریه، لیبی، عراق، افغانستان، سودان، سومالی، لبنان و غزه قتل‌عام کرده‌اند، به‌راستی تهوع‌آور است!! تروریست‌های جنایتکار بین‌المللی که از کشتار و آواره کردن ده‌ها میلیون انسان بی‌گناه در سراسر دنیا شرم نمی‌کنند ولی برای سلامتی و گوش دراز جنایتکاری چون ترامپ، ابراز « خوشحالی » می‌کنند و ترور در جامعه بحران‌زده آمریکا را « محکوم » می‌نمایند؟! به حکم دیالکتیک تاریخ، امپریالیسم آمریکا، مانند هر پدیده‌ای در جهان هستی، زمانی نبود، بوجود آمد، رشد کرد و عنقریب سقوط و نابود خواهد گردید!! \*

که تسلیم خواسته‌هایش نمی‌شوند! و چون « خدایی » جز پول نمی‌شناسد، بنابر این تا مغز استخوان ضد طبیعت و ضد بشریت است. مردم آگاه جهان؛ نابودی طبیعت، گرمایش زمین، آب شدن یخ‌های قطب شمال و جنوب، خشک‌سالی‌های غیر طبیعی، تغییرات آب و هوایی مرگبار، نابودی حیات وحش و کشتار و آواره شدن ده‌ها میلیون انسان را در سال‌های اخیر شاهد بوده و به چشم خود دیده‌اند و می‌دانند که باعث و بانی تمامی این بلایا کشورهای سرمایه‌داری و در راس آنها آمریکاست توصیف مهاجمان اروپایی (سرمایه‌داری)، از زبان بومیان سرخپوست، به سرزمین آنها و نسل‌کشی بومیان و کشتار حدود ۶۰ میلیون گاو وحشی (بوفالو) فقط برای تجارت پوست و تصرف باقساوت زمین‌های سرخپوستان از اوایل نیمه دوم قرن نوزده، شنیدنی و بسیار عبرت‌انگیز است:

« آنان از طبیعت زیبا، از جنگل‌های سبز و خرم و سرشار از شیرهی حیات و پُر از پرندگان و جانوران جالب و زیبا، از حاشیه سرسبز بیشه‌ها، از آب زلال، از خاک و حتی از هوای صاف و تمیز متنفرند! » و این شرح حال متجاوزان اروپایی و آمریکایی تا به امروز به قوت خودش باقی‌ست! بیش از ۷۰ سال است در هر کجای جهان جنگی رخ داده یک‌پای ثابت آن، آمریکا بوده است با حدود ۸۰۰ پایگاه نظامی در جهان! زمانی هنری کیسینجر، صیہونیست معروف گفته بود: « دشمنی با آمریکا خطرناک است اما دوستی با آمریکا مرگبار است! » و این روزها « دوستی » آلمان و اوکراین و ژاپن و کره جنوبی و مصر و پاکستان و غیره با آمریکا برای همه آشکار شده است! یکی از دیگری سرسپرده‌تر و نوکرتر. و عجیب است که در این زمانه نابرابر و روزگار خشن، بخشی از ایرانیان ضد وطن و سرسپرده و بعضاً ابله، روزوشب تلاششان « دوستی » با دشمن شماره یک بشریت، یعنی آمریکاست؟! باری! گفتیم که آمریکا بزرگترین دولت تروریستی جهان است. اگر بخواهیم ترورهای دولت آمریکا در جهان و حتی در خود آمریکا را لیست بکنیم کلام ما به درازا کشیده خواهد شد. خنده‌دار است که جو بایدن و امثالهم با کمال وقاحت می‌گویند: « خشونت سیاسی (توبخوان ترور) در آمریکا جایی ندارد!؟! » و این حرف شبیه جُک، بعد از ترور ناموفق به « ترامپ »، این آدم صیہونیست و ضدزن و نژادپرست، زده می‌شود؟! به نظر می‌آید که بر حسب جبر تاریخ و رشد تضادهای حل‌ناشدنی جامعه آمریکا،

**نابود باد امپریالیسم، صیہونیسم، فاشیسم  
و حامیانشان!**



## سخنی در مورد اعتراضات مردم، آینده ایران و اپوزیسیون برانداز وابسته به غرب

### درد و دل مردم

نامه‌ای از یکی از همراهان علاقمند کانال تلگرام توفان. تهران. ۲۳ تیر ۱۴۰۳

با سلام! ایرانیان مترقی با فرهنگ و زخم خورده که از کودتای ۲۸ مرداد و از پیامدهای انقلاب ۵۷، هزینه‌های بسیار سنگینی پرداخت کردند، عمیقاً از مرتجعین و اجنبی و اجنبی‌پرستان بیزارند. بنا بر این آگاه‌تر از آنند که آلت دست بیگانگان و بیگانه‌پرستان قرار گیرند! ببینیم سرانجام غائله «زن، زندگی، آزادی» که در ابتدای امر، حرکتی مترقی و ضد ارتجاع حاکم بود به کجا کشیده شد! از آنجایی که این اعتراضات در تضاد با منافع سرمایه‌داری غرب نبود و خواسته‌های کارگران و زحمتکشان ایران را هم نمایندگی نمی‌کرد، از یک‌طرف مورد استقبال کشورهای سرمایه‌داری غرب از جمله آمریکا قرار گرفت و از طرف دیگر همه مزدوران (ویرانی طلبان) ایرانی، چه در داخل و خصوصاً در خارج را با هم «متحد» کرد تا بلکه رژیم تا دندان مسلح اسلامی ایران را به کمک بیگانگان سرنگون نمایند! در این راستا بی‌بی سی، ایران (اسرائیل) اینترناشنال، صدای آمریکا، رادیوفردها، ایران فردا و حزب اسرائیلی «کمونیست و کارگری» و حزب «کمونیست» اما تروتسکیست کومله و ده‌ها و صدها کانال و نشریه دیگر به تکاپو افتادند بلکه از این نم‌کلاهی نصیبشان شود! گذشته از «حمایت» اعضای پارلمان‌های اروپایی و زنانی که به راحتی و

موظبانه موی سرشان را قیچی می‌کردند، ایرانیانی که اسامی شان در زیر می‌آید هم جلسات تشکیل دادند، نهادها درست کردند و با هزینه کشورهای غربی، تظاهرات برپا نمودند و پرویز ثابتی و ساواکی‌های دیگر و عوامل «موساد»، تجزیه‌طلبان کرد و ترک و بلوچ و اهوازی، با ۱۵ پرچم مختلف گردهم آمدند و فریاد «زن، زندگی، آزادی» سر دادند! کشورهای غربی هم گفتند شاید توانستیم با این جو ایجاد شده، یک انقلاب رنگی، به مانند اروپای جنوبی، در ایران راه بی‌ندازیم، که نشد!

به اسامی ایرانیان خارج‌نشین و طرفداران غائله ارتجاعی «زن، زندگی، آزادی» نگاهی بیندازیم!

رضا پهلوی کودتا زاده، یاسمن پهلوی، معصومه علی‌نژاد، مهدی مهدوی‌آزاد، مجید محمدی، محسن سازگارا، امیرعباس فخرآور، فروغ کنعانی، علی جوانمردی، پوریا زراعتی، شهرام همایون، مجتبی واحدی، علیرضا نوری‌زاده، جمشیدچالنگی، مناشه امیر، علی افشاری، پرویز ثابتی و ده‌ها ایرانی خارج‌نشین و مزدبگیر دیگر.

آیا یک انسان فرهیخته و شریف باید با احساساتش قضاوت کند یا با دانش سیاسی‌اش؟ این نامبرندگان فوق به کمک اربابان‌شان، اعتراضات مردم را که در ابتدا دو خواست مشخص داشت (لغو حجاب اجباری و انحلال گشت ارشاد) را به تباهی کشاندند و با های و هوی جوانان شجاع و دلیر را با دست خالی به جنگ آدمکشان تا بن دندان مسلح فرستادند و در آخر آنرا به غائله‌ای ارتجاعی تبدیل کردند و به فنا دادند!

به گفته لنین بزرگ: «مادام که افراد فرانگیرند در پس هر یک از جملات، اظهارات و وعده و وعیدهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی، منافع طبقات مختلف را جستجو کنند، در سیاست همواره قربانی سفیهانه‌ی فریب و خود فریبی بوده و خواهد بود» آینده ایران با شکل و آگاهی مردم بویژه طبقه کارگر و در خط‌کشی با حکومت سرمایه‌داری داخلی و قدرتهای امپریالیستی و مزدوران ریز و درشتشان رقم خواهد خورد.\*



## تازه‌ترین آمار جانباختگان، مجروحان و خسارات جنگ علیه غزه تا ۲۸۰ امین روزش

دفتر اطلاع‌رسانی دولت فلسطین در نوار غزه تازه‌ترین آمار جانباختگان، مجروحان و خسارات جنگ و نسل‌کشی علیه غزه تا روز ۲۸۰ام را این گونه اعلام کرد:

**ارتش اشغالگر صهیونیستی طی ۲۸۰ روز جنگ ۳۸۳۸۸ قتل‌عام را در نوار غزه مرتکب شده است**

**یکم،** تا کنون ۴۸۳۴۵ نفر در نوار غزه شهید و مفقود شدند

**دوم،** ده‌هزار نفر مفقود و ۳۸۳۴۵ نفر نیز شهید شده و اجساد آنها به بیمارستان‌ها منتقل شده است  
**سوم،** ۱۶۰۵۴ نفر از شهدا کودک هستند

**چهارم،** ۳۴ نفر از این کودکان در نتیجه گرسنگی به شهادت رسیدند

**پنجم،** ۱۰۷۰۰ نفر از شهدا نیز زن هستند  
**ششم،** ۵۰۰ نفر از کادر درمانی و پزشکی به شهادت رسیدند

**هفتم،** ۷۵ نفر از نیروهای امداد و نجات شهید شدند  
**هشتم،** ۱۵۸ خبرنگار به شهادت رسیدند

**نهم،** ارتش اشغالگر صهیونیستی ۷ گور دسته‌جمعی را در داخل بیمارستان‌های نوار غزه ایجاد کرده است  
**دهم،** اجساد ۵۲۰ شهید در این هفت گور دسته‌جمعی پیدا شده است

**یازدهم** ۱۵۹، مرکز اسکان آوارگان مورد حمله اشغالگران قرار گرفته است

**دوازدهم،** ۸۸۲۹۵ نفر تا کنون مجروح شدند  
**سیزدهم،** ۷۰، درصد قربانیان این جنگ زن و کودک هستند

**چهاردهم،** هزار کودک از آغاز جنگ والدین خود یا یکی از آنها را از دست دادند

**پانزدهم،** ۳۵۰۰، کودک به خاطر سوء تغذیه و کمبود دارو با خطر مرگ مواجه هستند

**شانزدهم،** ۱۲ هزار مجروح نیازمند اعزام به خارج هستند  
**هفدهم،** ۱۰، هزار بیمار سرطانی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند

**هیجدهم،** ۳۰۰۰ فرد مبتلا به بیماری‌های مختلف نیازمند اعزام به خارج هستند

**نوزدهم،** ۱۷۳۷۵۲۴، به خاطر آوارگی به بیماری‌های مسری مبتلا شدند

**بیستم،** ۷۱۳۳۸ نفر به خاطر آوارگی به بیماری التهاب کبد مبتلا شدند

**بیست‌ویکم،** حدود ۶۰ هزار زن باردار به خاطر نبود مراقبت پزشکی در معرض خطر هستند

**بیست‌ودوم،** ۳۵۰، هزار نفر مبتلا به بیماری‌های مزمن به خاطر وارد نشدن دارو در خطر هستند

مقاومت فلسطین علیه دشمن متجاوز و صهیونیست می‌گذرد. اخبار هر روز صحنه‌های بیشتری از ویرانی‌ها و کشتار فلسطینیان و نسل‌کشی و انتقام‌گیری از زنان و کودکان توسط ارتش متجاوز اسرائیل را نشان می‌دهد. موج حملات بربرمنشانه هوایی رژیم نازی صهیونیستی اسرائیل چنان سنگین است که در همان نخستین روزهای پس از هفتم اکتبر « دیده‌بان حقوق بشر اروپا » اعلام کرده بود اسرائیل معادل بیش از یک چهارم بمب اتم را بر سر مردم غزه ریخته است.

اسرائیل تاکنون بیش از چهل و پنج هزار تن بمب بر سر مردم غزه ریخته است پنج برابر بمبی که بر فراز هیروشیما و ناکازاکی پرتاب گردید.

غزه امروز مرز بین انسانیت و بهیمیت، فاشیسم و ضد فاشیسم است و هرگونه سکوت و بیطرفی سیاسی در نزاع بین اشغالگر و ملت تحت اشغال، بین ستمگر و ملت تحت ستم، همدستی با صهیونیسم این فاشیسم معاصر است.

**صدای خلق فلسطین باشیم! علیه نسل‌کشی در غزه به پاخیزیم!\***

**بیست و سوم،** از آغاز جنگ ۵۰۰۰ نفر در نوار غزه بازداشت شدند

**بیست و چهارم،** ۳۱۰ نفر از بازداشت شدگان از کادر پزشکی و درمانی هستند

**بیست و پنجم،** تا کنون ۲۳ خبرنگار نیز بازداشت شدند  
**بیست و ششم،** دو میلیون نفر در نوار غزه آواره و بی‌سرپناه شدند

**بیست و هفتم،** ۱۹۷ مرکز دولتی به‌طور کامل تخریب شده است

**بیست و هشتم،** ۱۱۵، دانشگاه و مدرسه کاملاً تخریب شده است

**بیست و نهم،** ۳۲۸ دانشگاه و مدرسه دیگر نیز خسارت دیده است

**سی ام،** ۶۰۹ مسجد به‌طور کامل تخریب شده است

**سی و یکم،** ۲۱۱ مسجد دیگر نیز خسارت دیده است  
**سی و دوم** اشغالگران ۳ کلیسا را هم بمباران و تخریب کرده‌اند

**سی و سوم،** ۱۵۰ هزار واحد مسکونی به‌طور کامل تخریب شده و غیر قابل سکونت است

**سی و چهارم،** ۲۰۰ هزار واحد مسکونی دیگر نیز خسارت دیده است

**سی و پنجم،** از آغاز جنگ ۸۰ هزار تن مواد منفجره بر سر مردم غزه فرو ریخته شده است

**سی و ششم،** ۳۴ بیمارستان به‌طور کامل از خدمت خارج شده است

**سی و هفتم،** ۶۶ مرکز بهداشتی و درمانی نیز از خدمت خارج شده است

**سی و هشتم،** اشغالگران ۱۶۱ مرکز درمانی را هدف قرار دادند

**سی و نهم،** ۱۳۱ دستگاه آمبولانس نیز هدف قرار گرفته است

**چهلیم،** ۲۰۶ مکان تاریخی و باستانی هدف قرار گرفته و نابود شده است

**چهل و یکم،** اشغالگران ۳۰۳۰ کیلومتر از شبکه برق نوار غزه را نابود کردند

**چهل و دوم،** خسارت اولیه مستقیم جنگ ۳۳ میلیارد دلار برآورد شده است بیش از ۲۸۰ روز مقاومت و نبرد قهرمانانه در غزه، ارتش متجاوز اسرائیل، آمریکا و کل دول غربی را در یک چالش جدی قرار داده است.

بیش از ۲۸۰ روز از « طوفان الاقصی » حمله قهرمانانه جنبش

**نابود باد رژیم صهیونیستی کودک کش پیروز باد نبرد به حق خلق فلسطین!**

**زنده باد همبستگی خلق‌های جهان با فلسطین!**

شرکت کنندگان در آن اکسیون‌ها بخشی از میلیون‌ها نفری بودند که در هشت ماه گذشته علیرغم اخراج از کار، خشونت پلیس اتهاماتی نظیر ضد یهود بودن و نظایر آنها از اعتراض و تظاهرات علیه نسل‌کشی اسرائیل، دولت آمریکا و ناتو دست برد نداشتند. از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ نیروهای مسلح اسرائیل تا کنون و طبق آمار وزارت بهداشت در غزه ۳۹ هزار نفر را قتل عام کرده‌اند. هر چند آمار واقعی بیشتر از اینست.

اخیرا نشریه **لنست** که یکی از مشهورترین و معتبرترین هفته‌نامه‌های پزشکی جهان است، در گزارشی تحقیقی اعلام کرده که «آمار ۳۷۰۰۰ کشته فلسطینی در نوار غزه صحیح نمی‌باشد» و **«آمار ۱۸۶۰۰۰ نفر درست است»**. بعضی از اعضای ناتو نظیر دولت آمریکا با دادن میلیاردها دلار و ۶۶ درصد سلاح، دولت متمایل به فاشیسم آلمان با دادن ۳۰ درصد و دولت دست‌راستی ایتالیا با دادن ۵ درصد اسلحه به اسرائیل در این نسل‌کشی سهم بوده و هستند. بر طبق گزارش سازمان حقوق بشری «نظارت اروپا مدیترانه»، که در یازدهم آوریل منتشر شد، گذشته از نزدیک به ۴۰ هزار جانباخته ۱۲ هزار نفر دیگر ناپدید هستند که یا در زیر آوراند و یا در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اسرائیل اسیر و یا در آنجا کشته شدند.

باید گفت همه کسانی که از رژیم صهیونیستی اسرائیل دفاع می‌کنند و این رژیم اشغالگر و جعلی را تنها کشور «دموکراسی» و «متمدن» در منطقه خاورمیانه می‌دانند و مبارزان مسلمان فلسطینی و لبنانی و عراقی و یمنی و غیره را که شجاعانه و جان برکف علیه تجاوزات و نسل‌کشی صهیونیست‌های آمریکایی و اسرائیلی و اروپایی مبارزه و مقاومت می‌کنند، غیرمتمدن می‌نامند، آگاهانه و یا ناآگاهانه مدافع و طرفدار ایدئولوژی فاشیسم و نازیسم هستند حتی اگر در حرف، مانند «چپ‌های «ضد کمونیست از «حقوق بشر و آزادی و عدالت اجتماعی» و راجی نمایند! باید صدای ملت فلسطین باشیم و برای صلح و علیه نسل‌کشی، جنایات امپریالیسم آمریکا و ارتش فاشیست اسرائیل و هواداران ایرانی و غیرایرانی‌اش را بی‌رحمانه افشا نماییم! اگر واقعا می‌خواهیم با صهیونیست‌های قاتل و تبهکار همراه نباشیم، اگر می‌خواهیم شایسته نام انسان باشیم و به قول سعدی شیرازی شاعر نامدار ایرانی، نهند ناممان آدمی و از غم دیگران بی‌غم نباشیم، باید خبر این نسل‌کشی بزرگ را به گوش همه برسانیم و جسورانه این کشتار و نسل‌کشی را محکوم کنیم. امروز غزه مرز روشن بین انسانیت و بهیمنیت، فاشیسم و ضدفاشیسم است. سکوت و بی‌تفاوتی در قبال این نسل‌کشی و این فجایع شنیع و ضد بشری، همدستی با تبهکاران متجاوز و کودک‌کش صهیونیست است.

**به خود آئیم و صدای خلق فلسطین باشیم!\***



## ما باید خبر کشتار ۱۸۶۰۰۰ فلسطینی را به گوش همه برسانیم. این وظیفه انسانی تک تک هر انسان بیدار وجدان است

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ ارتش متجاوز و فاشیست اسرائیل هزارتن انواع بمب و موشک و مواد منفجره بر سر ساکنان بی‌دفاع غزه ریخته است. این مقدار و این حجم از مواد منفجره تقریباً ۵ برابر بمب هسته‌ای ریخته شده بر شهر هیروشیما ژاپن می‌باشد. تمامی این بمب‌ها توسط امپریالیسم جنگ‌افروز آمریکا و سایر شرکای غربی‌اش، این دشمن شماره یک بشریت، به ارتش فاشیست اسرائیل داده شده است.

در حالیکه نسل‌کشی اسرائیل در غزه ادامه دارد هزاران زن و مرد معترض با برگزاری اکسیون‌های گوناگون در شهرهای مختلف دنیا به میدان آمدند تا به تداوم نسل‌کشی مذکور، که عمدتاً با سلاح‌های آمریکایی و آلمانی انجام می‌گیرد، اعتراض کنند. آنها در ملبورن استرالیا، گوتنبرگ سوئد، بارسلونا و تاراگونا در اسپانیا، زوله و اوترخت در هلند، کپنهاگ، پایتخت دانمارک، لندن، سوالول و لیدز در بریتانیا، چند شهر کانادا و شماری از شهرهای آمریکا شامل مینیاپولیس، مینه‌سوتا، فیلادلفیا، پنسلوانیا، شیکاگو، الینویز، شهر نیویورک، الیزابت، نیوجرسی، یوجین در ایالت اورگن، اوکلند و سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا، سنت آنتونیو در ایالت تگزاس، واشنگتن دی‌سی و چند شهر دیگر تظاهرات کردند، جاده‌ها، راه آهن و یا پلها را بستند و در داخل یا خارج ادارات دولتی و یا ادارات شرکت‌های سازنده و فروشنده اسلحه به اسرائیل تحصن کرده و یا از بار کردن سلاح‌های عازم اسرائیل خودداری کردند.



## در حاشیه حضور نتانیاهو در کنگره آمریکا

«کوری کجا عصاکش کوری دگر شود»؟

بنیامین نتانیاهوی فاشیست، خودش را، به کمک صهیونیست‌های آمریکایی، برای «سخنرانی» در کنگره آمریکا دعوت کرد! کنگره‌ای که به احتمال قوی در پیش افکار مردم آمریکا حدود ۱۵٪ مشروعیت دارد! سلف فاشیست‌اش، هیتلر، وقتی سخنرانی می‌کرد صدها هزار آلمانی فریب خورده با بالا بردن دست، فریاد «هایل هیتلر» سرمی‌دادند! قدرت‌گیری هیتلر در آلمان و مشاهده چنان صحنه‌هایی در آن زمان، براستی غم‌انگیز و شوم و دلهره آور بودند! حالا پس از گذشت سالیان دراز، خلف او، نتانیاهوی صهیونیست، از ترس افکار آمریکا و جهانیان دزدکی و با بالاترین برنامه‌های امنیتی اف بی آی و نیروهای لباس شخصی وارد کنگره نمایندگان آمریکا می‌شود و نمایندگان کنگره هم برای او نمایش مسخره و تهوع‌آوری برپا می‌کنند. ابلهانه و بدور از شخصیت یک انسان معمولی (نه یک نماینده مجلس) برای خالی بندی‌هایش و برای هر جمله دروغ و هر شعار ضدانسانی‌اش دهها بار از جا بلند می‌شوند و برایش کف می‌زنند! تو گویی که دیگه کار جهان شد به کام‌شان! هدف از آمدن نتانیاهو به آمریکا و سخنان او در کنگره، شباهت تام به آوای وحش و زوزه گرگی داشت که پایش در تله «هفت اکتبر» گیر کرده باشد و کاملاً مستاصل و زخمی در پی یاری و چاره‌جویی و درخواست از گله‌گرگان مستقر در کنگره برای رهاشدن از این تله‌ی مرگ بود. تله‌ای که بسیار زیرکانه و متهورانه برای رهایی و آزادگی از یوغ اشغال و تجاوزگری طراحی و اجراء شد و ضربه‌ای کاری و تحسین برانگیزی شد که؛ بایدن و مایدن، ترامپ و مرآپ، تمام حاکمان مرتجع و نوکر صفت عرب و استعمارگران وحشی غرب و ارتش فاشیستی اسرائیل و «پیمان ابراهیم» و دستور

«یهووه» خدای یهود به «سموئیل» برای قتل عام مردم عمالیتی را از دم بی‌اعتبار و به‌سُخره گرفت!! سخنان نتانیاهو در کنگره مسخره‌ی آمریکا چنان پرت و پلا بود که به‌غیر خودش و بایدن و مخصوصاً ترامپ، به زمین و زمان، از دادگاه بین‌المللی کیفری و سازمان ملل گرفته تا مردم آزادیخواه جهان و حامیان فلسطین را ناسزا گفت. این نوع گفتار و کردار فقط از فاشیست‌ها سر می‌زند و حتماً تفریست سربالا به خود آنها. او که خود را در حال سقوط و غرق شدن می‌بیند و تقریباً بی‌نیایی‌اش را از دست داده خطاب به نمایندگان کورتر از خود می‌گوید: «اسرائیل اگر سقوط کند، آمریکا کشور بعدی است.» او هرگز نخواهد فهمید که سقوط اسرائیل و آمریکا در شرف وقوع است و اگر هم در کار نیست

او تلاش زیادی کرد تا آمریکا و اسرائیل را در یک جبهه قرار دهد. او گفت که شکست اسرائیل، شکست آمریکا هم هست. او بیش از ۹ ماه با پیشرفته‌ترین و مخرب‌ترین سلاح‌های آمریکایی نتوانست از پس مبارزان فلسطینی در محدوده ۳۶۰ کیلومترمربعی نوارغزه بریاید و مبارزان غزه را «نابود» کند لذا به‌مانند زلنسکی، جوجه فاشیست او کرایینی، از صهیونیست‌های آمریکایی و اروپایی درخواست

سلاح و تجهیزات بازم بیشتر می‌کند. آمریکایی که خود در منجلابی از بدهی کلان، تورم، بی‌کاری، نبود بیمه درمانی مناسب برای فقرا، فقر و بی‌خانمانی، اختلافات جهانی، ترور و وحشت از جنگ داخلی، شکست در افغانستان و عراق و اوکراین، نژادپرستی و اختلافات شدید طبقاتی گیر کرده و راه نجات خود را گم کرده است باید از زبان «کلیم کاشانی» به نتانیاهو گفت: «جاهل برو، زمرشد بی‌معرفت چه فیض، کوری کجا، عصاکش کوری دگر شود!»

خلاصه‌ای از نظرات چندتن از کارشناسان سیاسی عرب پیرامون سفر و سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا.

۱- سفر نتانیاهو قبل از شروع شکست خورد. معترضین با شعارهایی در مخالفت با سخنرانی نتانیاهو، وارد کنگره شده بودند. وقتی که این حجم از پارچه نوشته، شعار و اعتراضات را می‌بینیم، شکست قبل از سخنرانی را متوجه می‌شویم.

۲- حصارهای امنیتی اطراف هتل و کنگره به دلیل ترس از هجوم مخالفان به کاروان نتانیاهو، نصب شده بودند.

۳- سخنرانی نتانیاهو، مثل همیشه ایجاد جو ترس و وحشت از ایران بود اما اکثر مردم جهان از این نوع پروپاگاندا خسته شده‌اند. پشتیبانی صدها میلیون نفر مردم عرب از سیاست خارجی ایران علیه اسرائیل، شاهدیست بر این مُدعا! وقتی همه کشورهای اروپایی در تهران سفارتخانه دارند و گفتگو‌هایی هم بین آمریکا و ایران در بغداد وجود دارد، این شکست سیاست‌های اسرائیل را نشان می‌دهد!

۴- تجمع بیش از ۲۰ هزار آمریکایی در مقابل کنگره و کاخ سفید و امتناع بخشی از نمایندگان در نشست کنگره و جنایتکار خواندن نتانیاهو توسط «برنی ساندرز» حاکی از دید منفی و مخالفت افکار عمومی مردم آمریکا از اسرائیل است.

۵- دهه‌ها تظاهر کننده‌ای که علیه نتانیاهو شعار می‌دادند، همه یهودیان مخالف نسل‌کشی در غزه بودند و نه ایرانی! معترضین در تظاهرات و پارچه نوشته‌های خود خواستار دستگیری نتانیاهو (جلاد فلسطینیان) شدند.\*



اسرائیلی در محل زیست آنها به بار آورده و کمتر عمارتی را سالم گذاشته‌اند، دست به اقدام و تلاش بزنند. برای آنها در شرایطی این چنین خطیر و در حالی که همواره در یک قدمی مرگ زندگی می‌کنند، چه تفاوتی می‌کند که کدام دوندۀ در پاریس سریع‌تر از دیگران دویده، کدام یک از وزنه‌برداران وزنه‌های سنگین‌تری را بالای سر برده و کدامین شناگر، آب‌ها را سریع‌تر از سایرین شکافته و همچون برق و باد دست به نقطه انتهایی یعنی لبه استخر ساییده تا اول شود و مدال طلا را بر گردن بیاویزد. برای فلسطینی‌ها زنده ماندن و حق بقا که البته از حقوق اولیه هر انسانی است، دغدغه نخست در تمامی ۱۰ ماهی بوده که از شروع جنگ غزه می‌گذرد و رویدادهای ورزشی و حتی المپیک که بزرگ‌ترین جلوه‌گاه آن است، اهمیتی برای آنها ندارد. جشنواره‌ای که هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود و تمامی جهان را زیر سایه خود قرار می‌دهد و نخبه‌ترین ورزشکاران گیتی که به نمایندگی بیش از ۱۸۰ کشور دنیا به آنجا می‌روند و تعدادشان از ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر فراتر نمی‌رود، در حدود ۳۰ رشته ورزشی به مدت ۱۶ روز به رقابت می‌پردازند. رقابتی که امسال در حداثی‌های ۵ تا ۲۱ مرداد در شهر پاریس انجام خواهد پذیرفت.

در چنین شرایطی از به آتش کشیدن همه ارزش‌های انسانی و نابود کردن چندین و چند نسل از فلسطینی‌های شریف و عدالت‌طلب بدیهی است که آرمان‌های المپیک از دید مجریان این همه جنایت کوچک‌ترین اهمیتی نداشته باشد و براحتی آن را هم لگدمال کنند و مطمئن باشند که هیچ پیگرد قضایی در مورد این خطای مضاعف شامل حال‌شان نخواهد شد. به همین خاطر است که ملت‌های آزاده جهان باید در روزهای برگزاری المپیک پیش رو فعال‌تر از گذشته به صحنه بیایند و با برگزاری تظاهرات و فریاد اعتراض بر سر نسل‌کش‌ها نشان بدهند که اگرچه سران ورزش دنیا هم با آنها همراهی می‌کنند و چشم بر جنایات‌شان بسته‌اند اما این همه ریاکاریها و کج‌روی‌هایشان بدون معجزات نمی‌ماند. المپیک پاریس محل رسوایی هر چه فزون‌تر صهیونیست‌ها این فاشیست‌های معاصر است، مشروط بر اینکه مردم جهان شامل توریست‌ها و ورزش‌دوستان سفر کرده به پاریس دست این رژیم جعلی و ضدبشری را بیش از گذشته رو کنند و سران المپیک را بابت اقدام مذموم خویش (پذیرش ورزشکاران رژیم غاصب به المپیک پاریس) بشدت افشا و پشیمان سازند.\*



## المپیک پاریس؛ و همدستی با رژیم صهیونیستی و نسل‌کش اسرائیل

المپیک در پاریس آغاز شد. با وجود همه درخواست‌های وسیع جهانی مبنی بر لزوم بایکوت و محروم کردن ورزشکاران رژیم صهیونیستی اسرائیل از شرکت در جشنواره ورزشی دنیا به سبب نسل‌کشی بی‌شمارانه‌ای که این رژیم منحوس در حق ملت شریف فلسطین روا داشته، کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) و سایر نهادهای ارشد شریک در برپایی این بازی‌ها از انجام این کار سر باز زدند و در نتیجه ورزشکاران این رژیم جعلی نیز در رقابت‌های پاریس به میدان خواهند آمد تا اصل عدالت و لزوم رعایت انسانیت و حق تأدیب جنایتکاران بزرگ جنگی همه و همه به فراموشی سپرده شود و ورزشکارانی در پاریس حاضر باشند که متعلق به رژیم کودک‌کش تل‌آویو هستند به همین خاطر آن مایه ننگ بشریت به شمار می‌آیند. تبلیغ اینکه ورزش غیر سیاسی است دروغ است. این المپیک و همه المپیک‌ها و مسابقات جهانی سیاسی است و در انحصار سرمایه‌داری امپریالیستی غرب بوده و سخن از احترام به حقوق بشر کشک است. کشور پهناور روسیه ۱۵۰ میلیونی را بخاطر جنگ اوکراین از مسابقات حذف کردند اما به حکومت جعلی ۵ میلیونی که در ۹ ماه ۱۸۶۰۰۰ نفر را کشتار کرد جواز ورود دادند! شرمندان باد!

اکنون در غزه و شهر رفح و بخش‌هایی از کرانه غربی هم مردم دردمند فلسطین که بر اثر نسل‌کشی صهیونیست‌ها طبق وزارت بهداشت فلسطین بیش از ۴۰ هزار کشته داده‌اند و فزون‌تر از ۹۰ هزار مجروح هم روی دست‌شان مانده است، وقت و امکان و روحیه تعقیب اخبار المپیک و تماشای این بازی‌ها را ندارند و ابتدا باید به حفظ جان و سلامتی خود بیندیشند و سپس برای ترمیم ویرانی‌های بزرگی که جنگ‌افروزان

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

فرودستان» فراگیرتر است و بخش‌های بیشتری از بازندگان و آسیب‌دیدگان نظام سرمایه‌داری را دربرمی‌گیرد. همین‌طور است درباره‌ی «سرمایه‌داران» که به عوض آن از اصطلاح «فرادستان» استفاده می‌شود تا به مورد «فرودستان» بیاید. مشکل اما چیست که این تغییر واژه‌ها فریبنده می‌شود؟ مشکل اینجاست که «مکان‌یابی استثمار» در این تغییر واژه مخدوش می‌شود.

زمانی که به تضاد میان «سرمایه‌دار» و «کارگر» اشاره می‌کنیم، دست روی «تاریک‌خانه‌ی تولید» می‌گذاریم و به اعتبار آن راز بزرگ تداوم وضع موجود استثماری و نابرابرانه را افشا می‌کنیم و توأمان کلید راه غلبه بر آن را به اعتبار «نبرد طبقاتی» برجسته می‌سازیم.

اما «فرودستان» چه؟ فرودستان در بهترین قرائت، از منظری «آسیب‌شناسانه» به گروه‌های تحت ستم در سرمایه‌داری اشاره می‌کند و همه‌ی آن‌ها را به عنوان ابژه‌های پژوهشی و قابل ترحم برجسته می‌کند: زنان (از زن بورژوا تا زن کارگر) ملل تحت ستم کارتن‌خواب‌ها گورخواب‌ها حلبی‌آباد‌نشین‌ها کودکان کار و خیابان‌گداها و ... این همه اما بدون یک آرایش طبقاتی تحت رهبری طبقه‌ی کارگر نخواهند توانست گلوی سرمایه‌داری را بفشارند و به بیگاری و استثمار و بردگی مدرن خاتمه دهند.

جامعه‌شناسی به اسم کار علمی، عملارای ایدئولوژیک به تن می‌کند و منتقد وضع موجود را از مبارزه بازمی‌دارد و از ایشان می‌خواهد که به همان «انتقاد آسیب‌شناسانه» تن بدهند. این در معنای دیگر همان کاری است که جمهوری اسلامی با واژگان مبارزاتی کرد:

جایگزینی «پابرهنگان» و «سیلی خوردگان» با «طبقه‌ی کارگر» و جایگزینی «مستکبران» با «سرمایه‌داران» صرفاً اسلامی‌سازی واژه‌ها نبود، بلکه یک استراتژی سیاسی بود برای انحراف افکار عمومی از مبارزه‌ی طبقاتی اصیل.

**هشیار باشیم و نسبت به تغییر واژه‌هایی این‌چنینی حساس باشیم! \***



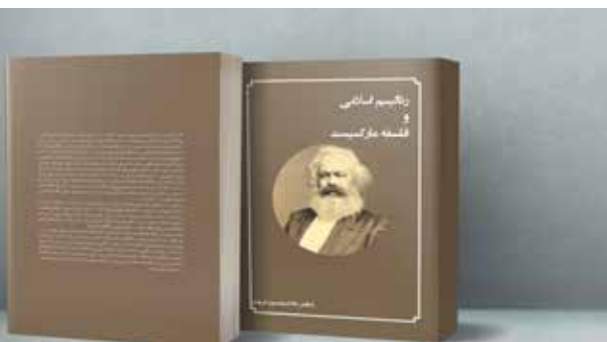
## طبقه‌ی کارگر یا فرودستان

### جامعه‌شناسی و عقب‌نشینی از طبقه

**زنده یاد محمد مختاری در مقاله‌ی درخشان «زبان به کام سیاست» می‌نویسد:** هر روزه در خبرها و مصاحبه‌ها و رسانه‌ها واژه یا ترکیب‌هایی به کار می‌رود که در صورت و معنا و نحوه‌ی کاربردشان غرابتی احساس می‌شود، و آنچه خواننده و شنونده در آغاز از آن‌ها می‌فهمد، اغلب همان نیست که گوینده و نویسنده اراده کرده است. از این گونه کاربردهاست: تعدیل، آزادسازی، اقشار آسیب‌پذیر، منطقه‌ی آزاد، خصوصی‌سازی، مشارکت مردمی در آموزش دانشگاهی، ریزش نیرو، تعدیل نیروی انسانی، کارگران تعدیل شده، مدارس غیرانتفاعی، مدارس نمونه مردمی، غیرمتمركز کردن آموزش و پرورش، واگذاری آموزش و پرورش به مردم، خودیاری، مقررات‌زدایی، شرکت‌های مضاربه‌ای، همیاری، هماهنگی خبری، خودکفایی و ... تأملی مختصر در این گونه کاربردها نشان می‌دهد که غرض از پیدایش و رواج آنها، بیش از هر چیز، به فراموشی سپردن واژه‌ها و معناهایی است که یا دیگر در اولویت سیاسی نیستند؛ و یا حضورشان در زبان رایج و روزمره، به سود سیاست‌گزاری‌ها و عملکردهای سیاسی نیست. پس بار معنایی‌شان از لحاظ سیاسی-اجتماعی-اقتصادی و ... ایجاب می‌کند که از دایره کاربرد روزمره بیرون رانده شوند. و در مقابل، اصطلاح‌ها و ترکیب‌ها و واژه‌هایی متفاوت جایگزین شود و اشاعه یابد.

حالا باید به مجموعه‌ی این‌ها اصطلاح «فرودستان» را اضافه کنیم. مدت‌هاست که در میان نیروهای چپ و به اصطلاح انتقادی حوزه‌ی آکادمی رایج است که از واژه‌ی «طبقه‌ی کارگر» استفاده نمی‌کنند.

از نظر ایشان این واژه دارای بار ایدئولوژیک مارکسیستی است و از این‌رو غیرعلمی می‌نماید؛ حال آنکه واژه‌ی «



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

**یکم:** گروه‌های مختلف فلسطینی با گرایش‌های مختلف سیاسی و ایدئولوژیک در پکن، پایتخت چین، به منظور دستیابی به «وحدت فراگیر» زیر چتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین با یکدیگر متحد شدند. بیانیه اتحاد فراگیر ۱۴ جناح فلسطینی که پس از مذاکرات در چین، روز گذشته به امضای این گروه‌ها رسید، از پایان یافتن اختلاف میان این گروه‌ها خبر می‌دهد. به گزارش رویترز و به نقل از تلویزیون دولتی سی‌سی‌تی‌وی چین، گروه‌های فلسطینی با امضای این بیانیه در پکن توافق کردند اختلاف‌ها را کنار بگذارند تا وحدت فلسطین را تقویت کنند. پس از امضای این بیانیه، رهبران ۱۴ گروه فلسطینی از جمله حماس و فتح به همراه ونگ بی، وزیر خارجه چین، با نمایندگان رسانه‌ها دیدار و گفت‌وگو کردند. وزیر خارجه چین در این دیدار تأکید کرد که توافق برای تشکیل یک دولت آشتی ملی موقت بر اساس بیانیه پکن، مهم‌ترین نکته در شرایط کنونی است. رهبران دو جناح رقیب یعنی حماس و فتح، پیش از این در ماه آوریل هم در چین با یکدیگر دیدار کرده بودند تا در مورد تلاش‌های لازم برای آشتی و پایان دادن به اختلاف‌های ۱۷ ساله گفت‌وگو کنند. آنها ماه فوریه نیز در مسکو مذاکره کرده بودند. دیدارها و گفت‌وگوهای مشابهی نیز سال‌های قبل در کشورهای ترکیه، الجزایر و مصر برگزار شد اما هیچ‌یک به صلح میان جناح‌های فلسطینی منجر نشده بود. اینک گفت‌وگو میان جناح‌های فلسطینی پس از برگزاری دو روز نشست در پکن، با امضای بیانیه آشتی و پایان اختلاف در حالی به پایان می‌رسد که همه این گروه‌ها رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین را پذیرفته‌اند. آنها در بیانیه پایانی تأکید کردند: «گروه‌های فلسطینی برای دستیابی به وحدت ملی فراگیر شامل همه جناح‌های فلسطینی در چارچوب ساف توافق کردند و به تأسیس کشور مستقل فلسطین با پایتختی بیت‌المقدس، مطابق قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد تحت رهبری ساف، متعهدند». گروه‌های فلسطینی همچنین بر «یکپارچگی تلاش‌های ملی به منظور توقف نسل‌کشی اسرائیل در غزه و مقاومت در برابر تلاش‌ها برای بیرون‌راندن فلسطینی‌ها از سرزمین‌هایشان» توافق کردند جنبش فتح، جنبش حماس، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و شماری دیگر از گروه‌های فلسطینی در این مذاکرات شرکت داشتند.

**دوم:** مذاکرات وحدت فلسطینی روز سه‌شنبه، که در آن توافق‌نامه‌ای برای چارچوب پس از جنگ غزه امضا شد، فرصتی برای چین بود تا سکویی برای مقابله و رقابت با اسرائیل و متحدان غربی‌اش در مورد آینده فلسطین و خاورمیانه فراهم کند. ساری آرو هاورن، متخصص روابط خارجی چین، به خاورمیانه‌ای گفت: «چین مدت‌هاست که از نظم جهانی جدید و حکمرانی جهانی حمایت می‌کند و هدفش کاهش نفوذ آمریکا در صحنه جهانی است.» چین همچنین به دنبال نقش برجسته‌تری در سیاست بین‌الملل بوده و خود را به عنوان صلح‌ساز و جایگزینی مناسب برای آمریکا



## اتحاد ۱۴ گروه فلسطینی در باره تشکیل «دولت موقت آشتی ملی» برای اداره غزه اقدام مثبتی است

چهارده گروه فلسطینی از جمله حماس و فتح، با میانجی‌گری چین موافقت کردند تا پس از جنگ، یک «دولت موقت آشتی ملی» در غزه تشکیل دهند. اسرائیل این توافق را که با حضور فتح، گروه حاکم بر تشکیلات فلسطینی در کرانه باختری به دست آمده را به شدت محکوم کرد.

اسرائیل کاتر وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی اسرائیل محمود عباس، رهبر فتح و رئیس تشکیلات فلسطینی را به خاطر امضا توافق با حماس به عنوان عامل حمله هفتم اکتبر محکوم کرد و گفت «حماس درهم شکسته خواهد شد». او گفت که هر گونه مشارکت حماس در دولت پس از جنگ در غزه هم برای اسرائیل و هم برای آمریکا «نفرت‌انگیز» است. آمریکا هنوز واکنش رسمی به این توافق نشان نداده است.

به این ترتیب گروه‌های فلسطینی همچون جنبش آزادی‌بخش ملی فلسطین (فتح)، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جنبش دموکراتیک برای آزادی فلسطین، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، حزب خلق فلسطین، جنبش نبرد خلق فلسطین، جنبش ابتکار ملی فلسطین، جنبش اتحاد دموکراتیک فلسطین (فدا)، جبهه آزادسازی فلسطینیان، جبهه آزادی‌سازی عربی، جبهه عربی فلسطین، پیش‌تازان جنگ آزادی‌بخش خلق (نیروهای صاعقه) در چین بر دستیابی به یکپارچگی ملی فراگیر در چارچوب سازمان آزادی‌بخش فلسطین و پابندی به تشکیل دولت مستقل فلسطین به پایتختی قدس بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و تضمین حق بازگشت به خانه‌های خود به توافق رسیدند:

معرفی کرده است. این امر در اقدامات آن در خاورمیانه مشهود است، جایی که با طرف‌هایی همسو می‌شود که مخالف آمریکا و متحدانش هستند. «آندرا آقیسلی، محقق ارشد پروژه ChinaMed در TOChina Hub، خاطر نشان کرد که نفوذ رو به‌رشد چین در منطقه تماماً ناشی از اقدامات خود پکن نیست. او به میدل ایست آی گفت: «در این لحظه، همگرایی بی‌سابقه‌ای بین منافع، اهداف و روایت‌های چین و اکثر رهبران خاورمیانه وجود دارد.» «در مورد غزه، واضح است که حمایت از فلسطینی‌ها موضعی نیست که بتوان آن را منحصرأ چینی توصیف کرد، زیرا بسیاری از مردم در منطقه و در سراسر جهان، هم در جنوب جهانی و هم در شمال جهانی، باورهای مشابهی دارند.» آقیسلی گفت که چین در حال بهره‌برداری است، با هدف کسب مزیت رقابتی نسبت به واشنگتن. مذاکرات چین «به هیچ وجه کافی نیست»

**سوم:** گروه‌های فلسطینی در این بیانیه، بر حق خلق فلسطین برای مقاومت در برابر اشغالگری و پایان دادن به آن طبق قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد و نیز تشکیل دولت موقت وفاق ملی با موافقت گروه‌های فلسطینی طبق حکم رئیس‌تشیکلات خود گردان و قانون اساسی فلسطین، تاکید کردند؛ مشروط بر اینکه نهادهای فلسطینی در خاک کشور فلسطین متحد شده و بازسازی نوار غزه را دنبال و راه را برای برگزاری انتخابات عمومی زیر نظر کمیته مرکزی انتخابات هموار کنند. شرکت کنندگان همچنین توافق کردند که چارچوب رهبری موقت و یکپارچه برای مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی برای فلسطین را فعال کنند.

همچنین مقاومت فلسطین تلاش برای رفع محاصره و حشانه تحمیل شده علیه ملت فلسطین به ویژه در نوار غزه و کرانه باختری و رسیدن کمک‌های انسانی و پزشکی به نوار غزه بدون قید و شرط را خواستار شده و بر مقابله با توطئه‌های اشغالگران و تجاوزات مستمر آنها علیه مسجد الاقصی، شهر قدس و مقدسات آن تاکید کرد.

در این بیانیه، گروه‌های مقاومت فلسطین از استواری و مقاومت قهرمانانه ملت فلسطین در مقابله با تجاوزات رژیم اشغالگر به نوار غزه قدردانی و اعلام کردند که استواری این ملت در نبرد جاری، جایگاه آرمان فلسطین را تقویت کرده و همه توطئه‌ها برای نابودی آن را ناکام گذاشت.

وحدت گروه‌های فلسطینی امر بسیار مثبتی است و طبعاً به مذاق صهیونیست‌ها خوش نمی‌آید. لیکن حل نهایی مسئله فلسطین باید در چهارچوب پایان اشغال و محو نظام صهیونیستی و تشکیل یک نظم فراگیر ملی با حقوق برابر برای همه شهروندان صرف نظر از مذهب، نژاد و قومیت مورد بررسی قرار گیرد.\*



## حمله ۷ اکتبر یک اقدام تدافعی بود

مصاحبه هفته‌نامه پرولتر ارگان مرکزی حزب کمونیست سوئد با "باسم نعیم" عضو دفتر سیاسی و سخنگوی سازمان حماس

در مورد اوضاع غزه و شرایط کنونی فلسطین

مصاحبه‌ای را که ملاحظه می‌کنید توسط "هفته‌نامه پرولتر" با "باسم نعیم" عضو دفتر سیاسی و سخنگوی سازمان حماس در مورد اوضاع غزه و شرایط کنونی فلسطین صورت گرفته است. در این مصاحبه، باسم نعیم به مهم‌ترین پرسش‌های کلیدی روز در مورد جنبش فلسطین و سیاست‌های جنبش مقاومت حماس پس از عملیات طوفان‌القصی، علل بروز آن، شرایط تاریخی سرزمین اشغالی فلسطین در خلال نزدیک به ۸۰ سال، نقش صهیونیسم بعنوان دست دراز شده امپریالیسم آمریکا در منطقه، استعمار کهن و نبرد رهایی‌بخش فلسطین سخن می‌گوید. باسم نعیم در این مصاحبه تاکید جدی به ماهیت نبرد ملی و رهایی‌بخش جنبش

فلسطین و نه رنگ مذهبی و یا غیر مذهبی آن، نظر به ماهیت استقلال طلبانه و حق تعیین سرنوشت دارد و از این منظر و در چنین کادری به تمام پرسش‌های ریز و درشت پاسخ می‌دهد که بسیار آموزنده و منطقی است.

حزب کار ایران (توفان) همواره این پرسش اصولی را مطرح کرده است که آیا مسلمانان حق حیات دارند و یا چون مسلمانند و صهیونیسم مخالف آنها است باید حق حیات آنها را باطل نمود و برعکس به یهودیان صهیونیسم ظالم و سرکوب‌گر حق دفاع از خود، حق بقاء ننگین داد و حق ادامه موجودیت صهیونیسم ضد بشر و آپارتاید را به رسمیت شناخت؟ پاسخ به این پرسش از جانب نیروهای انساندوست و انقلابی طور دیگری داده می‌شود تا چپ‌های لیبرال ضد کمونیست که همواره در کنار رسانه‌های صهیونیستی قلم فرسایی می‌کنند.

سرزمین فلسطین نزدیک به ۸۰ سال است که اشغال شده، میلیون‌ها نفر توسط تبهکاران تروریست صهیونیست از خانه و کاشانه خود تاراندگی گشته، روزانه خانه‌های آنها را بر سرشان خراب کرده و برای جلوگیری از تحصیل فرزندانشان با ماشین‌های آب‌پاش بر سر راه مدرسه ایستاده بر سر کودکانشان نجاست می‌ریزند تا به مدرسه نرسند. صهیونیست‌های تبهکار که همه نظامی، بسیجی، مسلح و آدمکش هستند و از حمایت قانونی دولت کودک کش اسرائیل و غرب «متمدن و آزادخواه و بشردوست» برخوردارند، مستمرا و روزانه بر سر خانه‌هایی با بنای پست تر فلسطینی که در همسایگی‌شان واقع است اشغال خالی می‌کنند. جوانان فلسطینی را ترور می‌نمایند تا اعضاء اندام آنها را در جهان به فروشند که چند سال پیش افشاح این جنایات در روزنامه‌های سوئدی برملا شد، آنوقت مشتی مزدور ایرانی پیدا می‌شوند به فلسطینی‌ها توصیه می‌کنند از مبارزات آزادیبخش جبهه عمومی مقاومتی که با نقش موثر سازمان مقاومت حماس به وجود آمده و نماینده منتخب و دموکراتیک مردم فلسطین است حمایت نکنند و به اسارت و خفت تن در دهند، زیرا حماس ایدئولوژی ارتجاعی داشته و یک نیروی اسلامی است. جنگ در فلسطین قریب به ۸۰ سال است که آغاز شده و نه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بعد از پیروزی درخشان و انقلابی سازمان حماس و متحدان کمونیست و غیر کمونیستش در یک عملیات تحسین برانگیز، قهرمانانه، ماندنی و راهبردی که ژئوپلیتیک جهان را برهم زد و مسئله فلسطین را به مهمترین مسئله روز جهان تبدیل کرد.

دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین که شامل مسیحیان فلسطینی هستند از جمله در افشاء این ایرانیان خائن و نوکر صهیونیسم و امپریالیسم بیانیه‌ای صادر کرد و در آن نوشت:

«نبرد کنونی نقطه عطفی برای مقاومت است. آنچه در میدان می‌گذرد، پاسخ طبیعی به جنایات رژیم اسرائیل علیه مردم فلسطین است. ما در کنار برادران خود در گردان‌های القسام و در کنار همه نیروهای مقاومت ایستاده‌ایم و در این نبرد که در تاریخ ثبت خواهد شد، با آنها درگیر می‌شویم».

مبارزه سیاسی گروه‌های اسلامی و غیراسلامی فلسطینی برای رهایی ملی، پایان دادن به اشغال، نسل‌کشی، کسب حق حاکمیت ملی، برقراری تمامیت ارضی، پایان دادن به رژیم

آپارتاید، نژادپرستانه، کودک‌کش که تا کنون طبق روزنامه معروف انگلیسی **لنست** ۱۸۶۰۰۰ فلسطینی را قتل‌عام نموده است مبارزه‌ای انقلابی، آزادیبخش، بشردوستانه، مترقی و در خدمت رهایی خلق‌های منطقه می‌باشد و حزب کار ایران (توفان) از آن قویا حمایت کرده و حمایت می‌کند. سرزمین فلسطین متعلق به مردمان بومی این سرزمین اعم از مسلمان، یهودی، مسیحی، دروزی، آسوری، ارمنی و... است و در آن جایی برای صهیونیست‌های وارداتی نازی وجود ندارد. جنبش انقلابی مردم فلسطین باید سرزمین فلسطین را از وجود نازیسم، آپارتاید، نسل‌کشی، نژادپرستی، یهودیت سیاسی پاکسازی کند. صهیونیسم در هیچ کجای دنیا نظیر نازیسم حق بقا ندارد. نباید فریب صهیونیست‌ها و نوکران ایرانی آنها را خورد که صهیونیسم را با یهودی‌ستیزی مترادف می‌کنند. با یهودی‌ستیزی همانگونه باید مبارزه کرد که با اسلام‌ستیزی و نشان داد که ریشه یهودی‌ستیزی در موجودیت صهیونیسم است و برای نابودی این شرّ بشری، باید صهیونیسم را نیست و نابود نمود. با توجه به چنین سیاستی است که برای روشننگری بیشتر و تنویر افکار اقدام به ترجمه این مصاحبه کرده‌ایم تا گامی ولو کوچک در حمایت از جنبش مقاومت خلق فلسطین که قهرمانانه بیش از ۹ ماه علیه یکی از قوی‌ترین ارتش منطقه که مورد حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکا و جهان غرب است جنگیده و طلسم قدرقدرتی آن را درهم شکسته است، برداشته باشیم.

### هیات تحریریه توفان الکترونیکی

\*\*\*

مقدمه هفته‌نامه پرولتر ارگان مرکزی حزب کمونیست سوئد: ۷ اکتبر سال گذشته، چشم جهان به‌غزه و فلسطین دوخته شده است. پس از حمله مقاومت مسلحانه فلسطین به پایگاه‌ها و شهرک‌های اسرائیل که در آن ۱۲۰۰ اسرائیلی کشته شدند، اسرائیل بمباران‌های تروریستی گسترده و تهاجم به‌غزه را آغاز کرد که منجر به کشته شدن ده‌ها هزار نفر گردید.

در برابر اشغالگری اسرائیل، حماس و شاخه مسلح آن گردان‌های قسام، نیروی پیشرو و در صف مقدم این نبرد قرار دارند. در رسانه‌های غربی، حماس به‌عنوان یک سازمان تروریستی توصیف می‌شود، و این جنبش توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا به‌عنوان تروریست شناخته می‌شود. اما سازمان ملل چنین موضعی اتخاذ نکرده است.

هفته‌نامه پرولتر اکنون فرصتی یافته تا مصاحبه‌ای با باسّم نعیم، عضو دفتر سیاسی و سخنگوی حماس، در باره رویدادهای ۷ اکتبر، مقاومت فلسطین و چگونگی پایان دادن به اشغال و درگیری جاری منتشر کند. مصاحبه توسط فردریک سودر هولم برای پادکست انجام شده است، اما توسط هفته‌نامه پرولتر ترجمه، ویرایش و کمی کوتاه شده است.

**پوشش:** آیا می‌توانید به ما بگویید که در داخل حماس چه می‌کنید، لطفاً خود را معرفی کنید؟

**پاسخ:** من یکی از اعضای دفتر سیاسی حماس درغزه هستم. من چند روز قبل از ۷ اکتبر نوارغزه را ترک کردم تا در یک کنفرانس

خواهند شد.

**پرسش:** اسرائیل می‌گوید که می‌خواهد حماس را ریشه کن کند. آیا استراتژی آنها برای سرکوب مخالفان کارساز خواهد بود یا به عکس آن منجر خواهد شد؟

**پاسخ:** اول باید اصلاحات کنم. من در مصاحبه‌های بسیاری با رسانه‌های غربی با این موضوع مواجه شده‌ام که آنها می‌پرسند چگونه اسرائیل می‌خواهد حماس و مقاومت را «درهم بشکند». اما این اصلاً مربوط به حماس نیست. این درباره خلق فلسطین است که از زمان اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ یک قرن تمام برای آزادی، عزت و استقلال خود مبارزه کرده است. حالا می‌گویند مشکل حماس است. ۲۰ سال پیش فتح بود. ۳۰-۴۰ سال پیش PFLP، DFLP [سازمان‌های کمونیستی. توضیح از هفته‌نامه پرولترا] و دیگران بودند. اما این در مورد خلق فلسطینی است که خواهان حقوق خود، حق تعیین سرنوشت خود و حق بازگشت هستند.

**ثانیا،** حماس فقط یک گروه نظامی نیست که برای اهداف نظامی می‌جنگد. این یک جنبش سیاسی به‌نماینده‌گی از اکثریت قریب به اتفاق فلسطینی‌ها است که در انتخابات سال ۲۰۰۶ پیروز شد و اکثریت خود را به‌دست آورد. در واکنش، کشورهای غربی به‌رهبری ایالات متحده تحریم‌هایی را اعمال کرده و جنبش را تحریم کرده و دولت را منزوی کرده‌اند. نتایج انتخابات آزاد و دموکراتیک در سال ۲۰۰۶ برخلاف میل ایالات متحده بود که چه کسی باید غزه را اداره کند. حماس یک ایده و یک جنبش آزادیبخش ملی است که می‌خواهد به آزادی فلسطینی‌ها دست یابد. بنابراین اسرائیل نمی‌تواند حماس یا جنبش مقاومت را در هم بکوبد.

**پرسش:** اما از سال ۲۰۰۶ هیچ انتخاباتی برگزار نشده است؟

**پاسخ:** متأسفانه خیر و تلاش‌هایی که توسط اسرائیل و آمریکا صورت گرفته است، مانع برگزاری انتخابات گردیده است.

**پرسش:** آیا خواهان انتخابات جدیدی هستید؟

**پاسخ:** ما همیشه گفته‌ایم که باید انتخابات جدید داشته باشیم، اما باید انتخابات کامل باشد. هم انتخابات ریاست جمهوری و هم انتخابات PLC [شورای قانونگذاری فلسطین، که پارلمان تشکیلات خودگردان فلسطین است]، PNC [شورای ملی فلسطین، که بالاترین نهاد تصمیم‌گیری ساف است و از سال ۲۰۱۸ تشکیل جلسه نداده است. توضیح از هفته‌نامه پرولترا یا] و انتخابات شهرداری

پس ما می‌توانیم به فلسطینی‌ها حق فردی بدهیم که رهبری را انتخاب کنند و اینکه کدام مسیر سیاسی را می‌خواهند طی کنند. ما طرفدار انتخابات دموکراتیک، شفاف و آزاد هستیم.

شرکت کنم و بعد از واقعه ۷ اکتبر از بازگشت من جلوگیری کردند. من همچنین عضو کمیته بین‌المللی جنبش و وزیر سابق بهداشت و ورزش هم هستم. - من پزشک جراح هستم، در آلمان مدرک پزشکی گرفتم و چندین سال در بیمارستان شیفا کار کردم [بزرگترین بیمارستان غزه که اسرائیل در ماه‌های اخیر بارها به آن حمله کرد و سرانجام در ماه مارس امسال به‌طور کامل تخریب شد. توضیح از هفته‌نامه پرولترا].

**پرسش:** گفتید چند روز قبل از ۷ اکتبر غزه را ترک کردید. آیا می‌دانستید حمله‌ای قرار است اتفاق بیفتد؟

**پاسخ:** قطعاً نه. خانواده، همسر، فرزندانم، برادران و خواهرانم در غزه هستند. اگر از قبل از این حمله مطلع بودم، نمی‌رفتم..

**پرسش:** آیا با آنها ارتباط دارید؟ حالشان چطور است؟

**پاسخ:** ارتباط با آنها بسیار دشوار و خطرناک است. اسرائیل از نرم افزار هوش مصنوعی برای شناسایی اهدافش در غزه استفاده می‌کند، بنابراین هر تماسی می‌تواند بهانه‌ای برای هدف قرار دادن خانواده‌های اعضای حماس باشد. آنها نیز مانند هر کس دیگری در غزه از گرسنگی رنج می‌برند. آنها فاقد دارو، برق و اینترنت هستند.

در ابتدای ژانویه اسرائیل به‌خانه برادرم حمله کرد، او رئیس بخش دانشکده دندانپزشکی دانشگاه فلسطین است. مادرم، سه دختر و سه نوه‌اش را کشتند. با اینکه همه می‌دانند او یک دانشگاهی است. دو تا از دخترانش دندانپزشک هستند و با فرزندانشان کشته شدند. این وحشتناک است که مردم غزه در حال حاضر مجبور به تحمل اینهمه درد و رنج و مصیبت هستند.

**پرسش:** چگونه با تمام احساسات خود مقابله می‌کنید؟ آیا به خود اجازه می‌دهید غمگین باشید و گریه کنید یا عصبانی شوید و یا می‌خواهید انتقام بگیرید؟

**پاسخ:** از دست دادن مادر، فرزندان یا نوه‌ها آسان نیست. خشم شدید و میل به انتقام ایجاد می‌کند. اما در نهایت این فقط به من مربوط نمی‌شود. این در مورد یک نسل کامل در غزه است، جایی که ۷۰ درصد جمعیت آن کودکان هستند و همه این کودکان در حال گذراندن وحشت هستند. بسیاری از آنها قتل مادر، پدر یا خانواده خود را در مقابل چشمان خود دیده‌اند و دیدند چگونه خانه‌هایشان ویران شده است.

هفته‌های زیادی است که با سوء تغذیه و گرسنگی زندگی می‌کنند، به‌طوری که مجبور به خوردن خوراک دام شده‌اند. تمام این نسل مملو از خشم و اراده برای مقاومت است. کودکانی که از تجاوز اسرائیل به‌غزه در سال ۲۰۱۴ آسیب دیدند، همان کودکانی هستند که اکنون علیه اسرائیل می‌جنگند.

اگر مناقشه را به‌طور اساسی حل نکنیم و حقوق بشر فلسطینی‌ها را تأمین نکنیم، بچه‌های امروز در رویارویی بعدی سرباز مقاومت

**پرسش:** آنها چگونه تلاش کرده‌اند که انتخابات جدید را متوقف کنند؟

**پاسخ:** به چند روش مختلف. اول از همه، علناً اعلام شد که محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین دستورات و اوامر روشنی از آمریکایی‌ها دریافت کرد که یا آشتی با حماس است یا مذاکره با اسرائیل. او نمی‌تواند هر دو را همزمان داشته باشد. اگر او مخالف انتخابات آزاد باشد، به معنای تحریم و تحریم است.

سپس از سال ۲۰۰۶، اسرائیل با حمایت آمریکا غزه را در محاصره و انزوا نگه داشت تا فلسطین را تجزیه نماید و دو نهاد جداگانه، یکی در نوار غزه و دیگری در کرانه باختری ایجاد کند. بنابراین اگر رئیس‌جمهور عباس بگوید که ما با این پروژه سیاسی هستیم، اسرائیل می‌تواند بگوید که متأسفانه شما نماینده همه فلسطینی‌ها نیستید، بلکه فقط نماینده کرانه باختری هستید.

از طرفی اگر حماس چیزی بخواهد، اسرائیل می‌گوید نه، شما تروریست هستید و نماینده همه فلسطینی‌ها نیستید. اسرائیل روی این تقسیم بندی به عنوان ابزاری سرمایه‌گذاری کرده است تا بتواند برنامه‌های خود را اجرا کند.

**پرسش:** سیاستمداران غربی در مورد راه حل دو کشوری زیاد صحبت می‌کنند. نظر شما در مورد آن چیست و راه حل حماس چیست؟

**پاسخ:** بحث در اینجا بر سر حماس یا فلسطینی‌ها نیست. فلسطینی‌ها در سال ۱۹۹۳ پیمان اسلو را امضا کردند و راه حل به اصطلاح دو دولتی را پذیرفتند. اما از آن زمان، اسرائیل راه حل دو دولتی را از بین برده و تلاش می‌کند تا با یک کشور فلسطینی همزیستی کند.

این تاکتیک به‌طور خاص توسط نتانیاهو از سال ۱۹۹۶ اتخاذ شده است، به واقع زمانی که او برای اولین بار با رئیس‌جمهور یاسر عرفات ملاقات کرد. به یاد داشته باشید که همین اواخر یک ماه قبل از ۱۷ اکتبر، نتانیاهو در سازمان ملل ایستاد و گفت که نمی‌تواند به هیچ موجود سیاسی بین رودخانه و دریا به جز اسرائیل اجازه حیات دهد.

در اساسنامه به روز شده حماس از سال ۲۰۱۶ همچنین آمده است که اگر همه فلسطینی‌ها کشور فلسطین را بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ بپذیرند، ما حاضر به پذیرش آن هستیم و آماده هستیم که بخشی از این پروژه سیاسی باشیم. و ما آماده حمایت و دفاع از انتخاب فلسطین هستیم.

اما سوال این است که دولت دیگر چگونه می‌تواند بگوید این حالت چگونه تعریف می‌شود؟ مثلاً حدود آن چیست؟ افراد زیادی در سوئد نمی‌دانند که اسرائیل هیچ مرز مشخصی ندارد و چگونه می‌تواند چیزی را که تعریف نشده است بپذیرد؟ اسرائیل قانون اساسی ندارد و اسرائیل از فلسطینی‌ها می‌خواهد که اسرائیل را به عنوان یک کشور یهودی به رسمیت بشناسند.

آیا می‌دانید به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان یک کشور

یهودی به چه معناست؟ مطمئناً این سیاست به تضعیف موجودیت دو میلیون فلسطینی ساکن اسرائیل منجر خواهد شد. در آن صورت، وقتی یهودیان را به عنوان شهروند اسرائیلی بپذیرم، باید آنها را، یعنی فلسطینی‌ها را به عنوان شهروند درجه دو نیز بپذیرم. بنابراین، مسئله راه حل دو کشوری را نمی‌توان از فلسطینی‌ها که قربانیان اشغال هستند پرسید. این سوال را باید از اسرائیل پرسید.

در نهایت باید بگوییم: زمانی که جامعه جهانی اسرائیل را به عنوان عضو کامل سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخت، قطعنامه شامل دو بخش بود. یک قسمت مربوط به به رسمیت شناختن اسرائیل بود، اما قسمت دیگر مربوط به تشکیل کشور فلسطین و دادن حق بازگشت به فلسطینیان بود.

پس باید از جامعه جهانی پرسیم که قسمت دوم قطعنامه چه شد؟ چرا اسرائیل برای بله یا نه گفتن به یک کشور فلسطینی حق و تو دارد؟ این نمی‌تواند دردست هیچ کس دیگری باشد، نه اسرائیل، نه آمریکا یا هیچ طرف دیگری، که مانع اراده و حق فلسطینیان برای داشتن کشور خود شود. چرا باید منتظر باشیم تا اسرائیلی‌ها کشور فلسطین را بپذیرند یا نپذیرند؟

**پرسش:** به نظر شما چرا جهان غرب این همه سال نادیده گرفتن پاکسازی قومی، ظلم و اشغالگری را انتخاب کرده است؟

**پاسخ:** فکر می‌کنم به چند دلیل مختلف مربوط می‌شود. از یک سو، اسرائیل مسئله به اصطلاح یهودی را حل می‌کند. برعکس، یهودیان هرگز در مناطق عرب یا مسلمان مورد آزار و اذیت قرار نگرفته‌اند. زمانی که یهودیان در اروپا تحت آزار و اذیت قرار گرفتند، به کشورهای ما آمدند و این از قرن شانزدهم ادامه داشته است.

علاوه بر این، اسرائیل نماینده منافع استعماری غرب است. اسرائیل یک پایگاه نظامی و اقتصادی پیشرفته برای غرب در منطقه است. آنها در اسرائیل سرمایه‌گذاری می‌کنند و از آن دفاع می‌کنند تا منطقه را کنترل کنند.

بالاخره من هم فکر می‌کنم این وضعیت اسفناک به خاطر ضعف کشورهای عربی و مسلمان است. اگر آنها می‌توانستند منافع غرب را در منطقه به چالش بگیرند، ممالک غربی اسرائیل را مجبور می‌کردند که فوراً تشکیل کشور فلسطین را بپذیرد.

از سال ۱۹۶۷، اسرائیل هرگونه امکان تشکیل کشور فلسطینی را از طریق یهودی‌سازی بیت‌المقدس، الحاق کرانه باختری و شهرک‌سازی تضعیف کرده است. امروز ما بیش از ۸۰۰۰۰۰ شهرک نشین داریم که ۶۲ تا ۶۴ درصد از کرانه باختری را کنترل می‌کنند.

از دنیای غرب فقط چند کلمه زیبا شنیده‌ایم که می‌تواند به روند صلح آسیب برساند. اما در عمل هیچ اقدام جدی برای جلوگیری از این نقض حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل صورت نگرفته است.

**پرسش:** واکنش اولیه شما به حمله ۱۷ اکتبر چه بود؟

**پاسخ:** برای من، ۱۷ اکتبر یک اقدام تدافعی بود. من به عنوان یک

سربازان نظامی است. ما تلاش کرده‌ایم و موظف هستیم از تلفات غیرنظامیان جلوگیری کنیم.

من همچنین معتقدم و بعداً توسط رسانه‌های اسرائیلی تأیید شد، اکثر کشته شدگان این جشنواره بر اثر شلیک تویخانه اسرائیل از هوا یا آتش تانک جان باختند. مطابق با دکترین هانیبال، که به ارتش اسرائیل این حق را می‌دهد که حتی اسرائیلی‌ها را در صورت خطر گروگان گرفتن بکشند.

زمانی که سربازان وارد منطقه شدند و برخی از تأسیسات نظامی را تحت کنترل گرفتند، ارتش و نیروهای امنیتی اسرائیل چنان شوکه شدند که تا چند ساعت نتوانستند واکنشی نشان دهند. به هزاران نفر از نوار غزه که سال‌ها در محاصره بودند، اجازه ورود به این منطقه را داد. بنابراین افرادی در آنجا بودند که اصلاً عضو هیچ یک از گروه‌های شرکت کننده در عملیات نظامی نبودند.

**پرسش:** آیا می‌توانید بپذیرید اگر بگویم ویدیوهایی از افرادی دیده‌ام که با سربندهای حماس به سمت غیرنظامیان در جشنواره تیراندازی می‌کنند، در حالی که آنها در اتومبیل‌ها پنهان شده‌اند؟ آیا قبول دارید که تیپ‌های قسام نیز در آن روز مرتکب جنایات جنگی شدند یا کاملاً منکر آن هستید؟

**پاسخ:** دستورات صریح فرمانده کل قوا مبنی بر عدم حمله به غیرنظامیان، افراد مسن، زنان و کودکان بود. ما همچنین می‌پذیریم که یک طرف بین‌المللی بی‌طرف بیاید و از منطقه بازدید کند تا کل روند را از هر دو طرف بررسی نماید و ما آماده‌ایم مسئولیت اقدامات خود را بپذیریم.

و شما در مورد غیرنظامیان صحبت می‌کنید ... در آخرین ویدیویی که دیدم، غیرنظامیان نبودند بلکه سربازانی بودند، با لباس غیرنظامی. اما آنها سرباز بودند. - سوال هم این است: سال‌هاست که اسرائیل از فلسطینی‌ها صحبت می‌کند که خودشان را سپر انسانی می‌کنند. پس چرا اسرائیل تأسیسات نظامی خود را در داخل کیبوتس خود ساخته است؟ چرا آنها تأسیسات نظامی خود را در مناطق مسکونی اسرائیلی‌ها در اطراف نوار غزه ساخته‌اند؟

اگر شهرک‌های خود را در اطراف پایگاه‌های نظامی قرار دهید، همانطور که اسرائیل همیشه می‌گوید، برخی که هدف نیستند، باز هم آسیب خواهند دید، به اصطلاح آسیب‌های جانبی. از سوی دیگر، نمونه‌های زیادی از فیلم‌ها داریم که نشان می‌دهد رزمندگان چگونه با غیرنظامیان به خوبی رفتار کرده و آنها را به خانه‌هایشان بازگردانده‌اند.

**پرسش:** من هم آن ویدئوها را دیده‌ام، اما فکر می‌کنم اگر نواقص کار خود را هم بپذیرید و نمی‌توانید تمام سربازان شاخه مسلح خود، تیپ‌های قسام را کنترل کنید، از احترام بیشتری برخوردار خواهید شد. اینطور نیست؟

**پاسخ:** کاملاً. و همانطور که گفتم، ما آماده دریافت تحقیقات بی‌طرف از سوی سازمان ملل هستیم که به هر دو طرف گوش می‌دهد و تمام فیلم‌ها را نگاه می‌کند، و ما آماده‌ایم که سربازان

ساکن غزه، به‌عنوان یک پزشک و به‌عنوان وزیر بهداشت، می‌دانم که رنج فلسطینیان در غزه در نتیجه محاصره اسرائیل چگونه بوده است. بسیاری به دلیل کمبود غذا و دارو و به دلیل اینکه از ترک غزه برای جستجوی مراقبت در خارج از کشور منع می‌شوند، جان خود را از دست می‌دهند.

بارها در رسانه‌های غربی، مدت‌ها قبل از ۷ اکتبر هشدار داده‌ایم که وضعیت پایدار نیست. که اگر محاصره برداشته نشود، انفجاری رخ می‌دهد و آنقدر بزرگ می‌شود که خود را فراتر از مرزهای فلسطین می‌بیند.

ما همچنین شاهد تجاوزات و جنایات روزانه علیه مسجداً الاقصی توسط شهرک‌نشینان افراطی اسرائیلی، اخراج فلسطینیان از خانه‌هایشان در بیت‌المقدس، شیخ جراح و سایر مناطق و جنایات توسط این شهرک‌نشینان فاشیست افراطی علیه مردم ما در کرانه باختری بوده‌ایم. این اقدامات وحشیانه خشم زیادی ایجاد کرده است و از این رو ما ۷ اکتبر را یک اقدام دفاعی قهرمانانه می‌بینیم.

**پرسش:** آیا تفاوتی در گفتمان رسانه‌های غربی پیرامون اسرائیل از ۷ اکتبر مشاهده کرده‌اید؟ به‌عنوان مثال، پیرس مورگان، روزنامه‌نگار انگلیسی، قبلاً طرفدار اسرائیل بود و اکنون به شدت از نمایندگان اسرائیل انتقاد می‌کند.

**پاسخ:** مردم در سراسر جهان دریافته‌اند که رسانه‌های جریان اصلی با تحریف تصویر آنچه در غزه اتفاق می‌افتد و پنهان کردن آنچه که هر روز برای فلسطینی‌ها رخ می‌افتد آنها را فریب داده و آنها را دستکاری کرده‌اند.

به لطف رسانه‌های اجتماعی و کسانی که در غزه حضور دارند، می‌توانید آنچه را که در زمان واقعی اتفاق می‌افتد مشاهده کنید. در ابتدا رسانه‌های اصلی تبلیغات اسرائیل را پذیرفتند، اما به دلیل اعتراضات در سراسر جهان و فشار شبکه‌های اجتماعی - در کنار کشتارهای هولناک و جنون‌آمیز غیرمنتظره تجاوزات اسرائیل به مردم ما - دیگر نمی‌توان آن را پنهان کرد.

این اولین بار در تاریخ است که زنان و کودکان در یک جنگ بیشتر از مردان به قتل می‌رسند. فکر می‌کنم رسانه‌ها جریان اصلی را تحت فشار قرار داده است که تا حدودی تغییر کنند، اما همچنان فکر می‌کنم که آنها توسط لابی صهیونیستی کنترل می‌شوند. آنها سعی می‌کنند از دست دادن مخاطب خود جلوگیری کنند و سعی می‌کنند متعادل باشند، اما تصمیم گیرندگان در رسانه‌های جریان اصلی همچنان پشت روایت اسرائیلی هستند.

**پرسش:** در مورد رویدادهای جشنواره موسیقی در "نوا" چه می‌توانید بگویید؟

**پاسخ:** من فقط می‌دانم که فرمانده کل گردان‌های قسام در اولین ساعات عملیات چه گفته است: این یک عملیات نظامی است و اهداف ما پایگاه‌ها، مناطق و



خود را پاسخگو کنیم.

اما دوباره. هرج و مرج زیادی وجود داشت، چندین گروه مختلف متخاصم و تعداد زیادی غیرنظامی وجود داشت. اما اگر کسی جرمی مرتکب شده باشد، ما حاضریم پاسخ گو باشیم.

**پرسش:** شما می‌گویید که غیرنظامیان نیز از طریق دیواری که شکسته شده از غزه فرار کرده‌اند و نمی‌توانید بدانید آنها چه کردند. آیا وقتی برخی از اسرائیلی‌ها می‌گویند فلسطینی بی‌گناه وجود ندارد، مشکلی نیست؟

**پاسخ:** غیرنظامیان در عملیات شرکت نداشتند. اما اگر ۲،۳ میلیون نفر را به مدت ۱۷ سال در یک محاصره بسیار خفقان‌گروگان نگه دارید، آنها به دنبال راه‌هایی برای خروج از مزرعه حیوانات و باز کردن زندان خواهند بود. چگونه می‌توان گفت در غزه بی‌گناه وجود ندارد در حالی که ۷۰ درصد جمعیت غزه کودک هستند و از ۳۰ درصد باقی مانده نیمی از آنها زن هستند؟ ۶۰ درصد از جمعیت غزه زیر ۱۶ سال سن دارند. چگونه می‌توانید این افراد را به‌خاطر حضور در عملیات نظامی سرزنش کنید؟

همه مردان در شاخه مسلح حماس نیز نیستند. برخی در فتح، PFLP یا جهاد اسلامی هستند و برخی از آنها اصلاً در هیچ جریان سیاسی نیستند. چطور می‌توانی چنین چیزی بگویی؟ هم خلاف بشریت و هم با قوانین بین‌المللی است.

**پرسش:** مذاکرات صلح اخیر با اسرائیل چگونه است؟

**پاسخ:** اوایل اردیبهشت پیشنهاد آتش‌بس را پذیرفتیم و ما آن را علنی اعلام کردیم. متأسفانه اسرائیلی‌ها از پذیرش شهرک‌سازی که از طریق میانجی‌گران در قطر مذاکره شد، خودداری کرده‌اند. اما در عین حال، رئیس‌جمهور بایدن می‌گوید که پیشنهاد اسرائیل برای آتش‌بس وجود دارد و مذاکرات صلح در دست حماس است.

نکته اساسی برای ما این است که آتش‌بس دائمی برقرار شود که منجر به عقب‌نشینی کامل نیروهای اسرائیلی می‌شود که به محاصره پایان می‌دهد و به همه فلسطینی‌ها اجازه می‌دهد به خانه‌های خود بازگردند و تبادل اسرا آغاز می‌شود.

**پرسش:** چه تعدادی باید در غزه کشته شوند تا حماس با اسرائیل به توافق برسد؟

**پاسخ:** این پرسش اشتباه است. شما طوری این سوال را مطرح می‌کنید که گویی فلسطینی‌ها که خود قربانی هستند، مسبب این وضعیت موجودند. این متجاوز است که باید از او پرسید که چه زمانی حاضر به پذیرش آتش‌بس دائمی است.

فقط هفت ماه نیست که قربانی تجاوز شده‌ایم. ما ۷۵ سال است که قربانی قتل عام اسرائیل هستیم. چگونه می‌توانیم توافقی را بپذیریم که گروگان اسرائیلی را آزاد کنیم و سپس اسرائیل بتواند دوباره

شروع به قتل عام ما بکند؟

اگر با آتش‌بس موقت موافقت کنیم، به این معناست که به اسرائیل این حق را می‌دهیم که وقتی آتش‌بس تمام شد، برگردد و به ما حمله کند و نوار غزه را دوباره محاصره نماید.

**پرسش:** به نظر شما چرا "سیاستمداران چپ" در جهان غرب به سختی در مورد صهیونیسم صحبت می‌کنند اگر چه مقاومت را محکوم نمی‌کنند؟ به‌عنوان مثال، یوناس شوستدت از رهبران "حزب چپ سوئد" در مورد اشغال صحبت می‌کند اما در مورد صهیونیسم سخنی نمی‌گوید اما از حماس نیز متنفر است؟

**پاسخ:** خیلی ساده است. هر سیاستمدار در غرب می‌داند که اگر به صهیونیسم یا اسرائیل حمله کند، یهود ستیز محسوب می‌شود و همه می‌دانند که این یک خودکشی سیاسی است.

صهیونیسم یک ایدئولوژی نژادپرستانه است که فقط مربوط به درگیری سیاسی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها نیست. ما می‌توانیم از دولتمردان، پزشکان و وکلای اسرائیل بشنویم که چگونه آنها فلسطینی‌ها را انسان نمی‌دانند و به خود حق می‌دهند که همه فلسطینی‌ها از جمله زنان و کودکان را سلاخی کنند.

آخرین تعبیر یهودی ستیزی که اکثر کشورهای اروپایی آن را پذیرفته‌اند، سبب می‌شود که انتقاد از اسرائیل یا سیاستمداران اسرائیلی را نیز بسیار دشوار و خطرناک می‌کند.

با این حال، من متوجه تغییری شده‌ام، حداقل در حباب فیلتر خودم، در این که شما اکنون می‌توانید ضد صهیونیست باشید بدون اینکه یهودی ستیز خوانده شوید. تغییری رخ داده است. اما هزینه آن بسیار دردناک است. ما فقط برای این تغییر کوچک باید با هزاران جان بی‌گناه در غزه هزینه کنیم.

**پرسش:** آیا اصلاً مشکلی با یهودستیزی در فلسطین می‌بینید؟

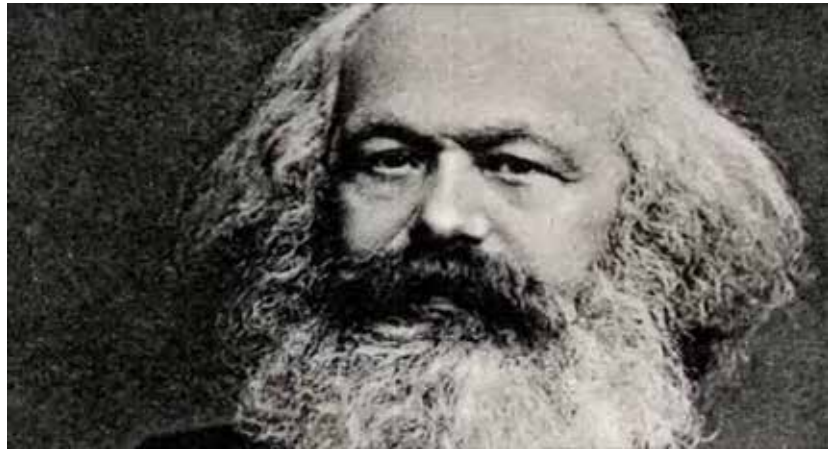
**پاسخ:** ما این مشکل را نداریم. مسیحیان، مسلمانان و یهودیان قرن‌هاست که در اینجا زندگی می‌کنند. ما با یهودیت نمی‌جنگیم، ما علیه اشغالگری، علیه پروژه صهیونیستی می‌جنگیم.

بحث یهودستیزی نیست، ما هم سامی هستیم. و این ربطی به یهودیت ندارد. این تعارضی بین اسلام و یهودیت نیست.

ما بارها در باره سیاستمداران راست افراطی در اسرائیل مانند بزلال اسموتریچ و ایتامار بن گویر هشدار داده‌ایم که تلاش می‌کنند درگیری سیاسی بین فلسطینی‌ها و قدرت اشغالگر را به یک درگیری مذهبی تبدیل کنند که بسیار خطرناک است. ما از یک نظامی که پشت تانک نشسته است نمی‌پرسیم چه دین و ملیتی دارد. این پرسش موضوعیتی ندارد بلکه یک راننده تانک است که می‌خواهد خانه‌های ما را خراب کند و بچه‌های ما را بکشد.

ترجمه از سوئدی به فارسی

فعالین حزب کارایران (توفان) در سوئد



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

**آیا جنگ ملی در دوران امپریالیسم امکان پذیر است؟**  
**«انکار امکان جنگ ملی در دوران امپریالیسم از لحاظ تئوری غلط، از لحاظ تاریخی خطائی آشکار و در عمل حاکی از شوینیسم اروپایی است.»** لنین

بازهم می‌گوید:

**«جنگ داخلی نیز جنگ است. هر آن کس که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نمی‌تواند جنگ داخلی را قبول نداشته باشد. این جنگ‌ها در جامعه طبقاتی ادامه طبیعی در شرایط معین ادامه ناگزیر تکامل و شدت مبارزه طبقاتی است. تمام انقلابات بزرگ مؤید این امر است. انکار جنگ‌های داخلی یا بدست فراموشی سپردن آن‌ها به معنی افتادن در اپورتونیسیم مفرط و روگردانیدن از انقلاب سوسیالیستی است.»**

این جنگ‌ها همراه با جنگ کشور سوسیالیستی علیه تجاوز از خارج، جنگ‌های عادلانه و انقلابی می‌باشد. باید پیوسته به پشتیبانی از آن‌ها برخاست نه آن‌که در قبال آن‌ها نقش آتش نشانی بازی کرد.

بازهم به منظور از بین بردن مرز میان جنگ‌های عادلانه و انقلابی و جنگ‌های تجاوزکارانه و امپریالیستی، برای مرعوب ساختن توده‌های مردم از دست یازیدن به انقلاب و جنگ انقلابی، رویزیونیسم دست به دامان سلاح هسته ای می‌شود. از یک طرف اعلام می‌دارد که «امروز هر جنگی حتی اگر با جنگ عادی و غیر هسته ای آغاز گردد می‌تواند به جنگ هسته ای تبدیل

شود»، و جنگ هسته ای سرنوشت بشریت را در زیر علامت سؤال می‌گذارد، و از طرف دیگر این حکم نادرست را می‌آورد که «سلاح هسته ای خصلت جنگ را تغییر داده است» و «بمب اتمی اصل طبقاتی نمی‌شناسد».

مساله شانتاژ اتمی و ارباب توده‌های مردم با سلاح هسته ای به هیچ وجه تازگی ندارد. امپریالیسم آمریکا از همان زمان پرتاب بمب اتمی بر هیروشیما و ناکازاکی برای بسط و تأمین تسلط خود بر سراسر جهان شانتاژ اتمی آغاز نمود. مطبوعات جهان به حد اشباع به این کار پرداختند. رویزیونیسم اکنون به کمک آمریکا می‌شتابد و از آن هم جلوتر می‌رود. شانتاژ اتمی در واقع اخطار به خلق‌های جهان است که از جای خود تکان نخورند، دست از پای خطا نکنند و گرنه سرنوشت بشریت و تمام دست آوردهای تاریخی آن به خطر خواهند افتاد. امپریالیسم آمریکا و رویزیونیسم، بویژه رویزیونیسم شوروی هر دو دست در دست یکدیگر خلق‌ها را از انقلاب می‌ترسانند.

اما آیا پیدایش سلاح اتمی می‌تواند خلق‌ها را از مبارزات و جنگ انقلابی به خاطر رهائی از استعمار و استثمار باز دارد؟ آیا با پیدایش سلاح اتمی و هسته ای، امپریالیسم و رویزیونیسم تا ابد بر جهان حکومت خواهند کرد، اسارت خلق‌های جهان جاودان خواهد گردید؟ آیا با پیدایش سلاح هسته ای، جامعه از تکامل باز خواهد ایستاد؟ آیا قوانین تکامل اجتماعی قوت خود را از دست خواهند داد؟ مارکسیسم - لنینیسم بر این است که سلاح هسته ای تغییری در قانونمندی اجتماع نمی‌دهد. بنابراین قانونمندی‌ها، جامعه سرمایه‌داری، بر اثر تضادهای درونی خود و بویژه مبارزه طبقاتی، همچنان به تکامل خود ادامه خواهد داد، امپریالیسم راه زوال و اضمحلال خواهد پیمود، انقلابات سوسیالیستی همچنان به وقوع خواهند پیوست، سوسیالیسم و کمونیسم در جهان پیروز خواهند گشت، آینده تابناکی در برابر جامعه انسانی گشوده خواهد شد. مارکسیسم - لنینیسم بر آن است که سلاح هسته ای خصلت جنگ را دگرگون نمی‌سازد، جنگ‌های انقلابی اعم از داخلی یا ملی ناگزیر است، نه سلاح اتمی و نه هیچ نیروی دیگری قادر به جلوگیری از آن‌ها نیست.

این اظهار رویزیونیست‌ها که «امروز هر جنگی ... به جنگ هسته ای تبدیل می‌شود» با واقعیت نمی‌خواند. از بعد از جنگ دوم جهانی تاکنون کمتر سالی در جهان بدون جنگ و تجاوز گذشته است ولی چنان‌که شاهد آن هستیم هیچ‌یک از آن‌ها نه به جنگ جهانی انجامیده است و نه به جنگ هسته ای. معذالک رویزیونیسم هنوز هم لجوجانه معتقد است که «یا همزیستی مسالمت آمیز و یا جنگ هسته ای». در حالی که جهان نه در حال «همزیستی مسالمت آمیز» است و نه در حال جنگ هسته ای. رویزیونیسم این فرمول‌های ضد مارکسیستی ضدانقلابی را برای آن به پیش می‌کشد که از برخاستن جرقه انقلابات ممانعت بعمل آورد تا بعداً احتیاجی به خاموش کردن شعله جنگ انقلابی نداشته باشد. در این مورد فقط می‌توان همراه با رفقای حزب کمونیست چین اطمینان داشت که «اولاً بشریت است که سلاح هسته ای را نابود می‌سازد و نه سلاح هسته ای بشریت را؛ ثانیاً بشریت است که امپریالیسم آدمخوار را نابود می‌سازد نه امپریالیسم بشریت را.»\*

مایوس شده اند. برخی از آنها در شرایط کنونی واوضاع ناهنجار سیاسی نگاه به عقب دارند، یعنی ارتجاع و ازاحیای نظم گذشته به دفاع برخاسته اند. این افراد متأثر از این شکست موقتی شیفته نظام سرمایه داری غربی و امپریالیسم شده اند و فاقد هرگونه اعتقاد و آرمان برای برانداختن سلطه استثمار و نظام برده گوی یک درصدی هستند و آن را نیز جاودانی می پندارند.

متأسفانه نگاه شما به تاریخ بشری معطوف و محدود به شکست‌های موقتی انقلابات معاصر است. همه مسائل ایران و جهان را در این چهار چوب و پذیرش نظم جهانی سرمایه داری می بینید. این فقط شما نیستید که به چنین تفکری رسیده اید. همین تفکر نهیلیستی در بین چپ‌های سابق در اروپا و جهان وجود دارد و اینها همه محصول سرخوردگی از شکست‌های موقتی سوسیالیسم است. اما اگر تاریخ را ایستا نبینیم و از منظر اقتصاد سیاسی و ماتریالیسم تاریخی به تحلیل و قضاوت بنشینیم آنوقت در خواهیم یافت که نظم سرمایه داری روزی فرو خواهد افتاد و جهان بسوی نفی استثمار و استقرار نظام نوینی رهنمون میشود. راهی جز برانداختن نظم یک درصدی پیش روی خلقهای جهان نیست و این امر ناشی از تضادهای درونی و عینی این نظام است که موجب انقلابات دیگری خواهد شد و چه ما بخواهیم یا نخواهیم!! گذار از یک جامعه کهن، یک مناسبات پوسیده که در آن تضاد شیوه تولیدی و نیروهای مولده به پایان خط رسیده است، محتوم است، خارج از اراده و ذهن ما و شما صورت گرفته و خواهد گرفت. نظام سرمایه داری باید جایش را به سوسیالیسم دهد، حتی اگر سرمایه داری میلیونها کشتار کند و این امر صدها سال به درازا بکشد.

نباید فراموش کرد که رژیم جمهوری اسلامی محصول رژیم استبدادی و وابسته پهلوی است که با کودتای آمریکایی و قلع و قمع نیروهای چپ، سکولار و دمکرات به قدرت رسید. همدستان شاه روحانیونی نظیر آیت الله کاشانیها و ولگردها و لمپنهایی نظیر شعبان جعفری معروف به شعبا بیمخ بودند. درصد بیسوادی در دوره پایانی رژیم شاه، بین ۶۷ تا ۶۸ درصد بود. از آزادی بیان و مطبوعات و احزاب و اجتماعات خبری نبود و هر جنبه‌ای را بازداشت و به بند می کشیدند.

انقلاب بهمین برآمدی علیه چنین نظم عقب مانده ای بود و بدرستی شاه و رژیمش را هدف گرفته بود. انقلاب برای بهبود شرایط زندگی مردم و آزادی و دمکراسی و استقلال



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

**پرسش:** با سلام و عرض ادب. سوالی داشتم در مورد اینکه آیا سازمان‌های چپ از جمله حزب شما می توانستن اگر مدارا کنن در چهار چوب رژیم پهلوی به بخشی از خواسته هایشان برسند؟ من و بسیاری از اقوام و دوستان که حتی سابقه چپ دارند به همین نظر رسیده اند که انقلاب بهمین ضروری نبود و چپ‌ها می توانستند قدری مدارا کنند. شخصاً معتقدم که سوسیالیسم و کمونیسم به این زودیه‌ها بوجود نخواهد آمد. امروز باید با سیستم رقابتی و بازار آزاد الگوی غرب به پیشرفت و تمدن نائل آئیم. در پایان می خواهم نظر شما را در مورد اختلاف ایران و آمریکا به پرسیم. آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی چه می خواهد و دلیل اینهمه فشار و دعوا چه می باشد؟ آیا اختلافات ایران و آمریکا جدی است و به ایران حمله خواهد شد؟ یا اینکه هر چه هست با آقای پزشکیان که قدری ملایم است حل خواهد شد؟ از جوابتان متشکرم. امضا، سارا. حمیدی. مشهد

**پاسخ:** دوست عزیز، شما پرسشی طرح کرده اید و خود بدان پاسخ داده اید. بنظر می رسد اساساً مخالف انقلابید، براین تصورید که انقلاب با فرمان این شخص و یا آن شخص آغاز میشود و مردم بی دلیل و متأثر از این فرد و یا گروه دست به انقلاب می زنند!!!! آنوقت نتایج شکست انقلاب را مورد قضاوت قرار میدهید و به نگوشتش انقلاب و انقلابیون می پردازید!

انقلاب قرار بود به دمکراسی و کرامت انسانی برسد اما شکست خورد و بسیاری از جوانان پر امید سرخورده و

بسیار ضعیف است، زیرا آمریکا خود دچار بحران شدیدی است و تضادهای کنونی با روسیه و چین و اوضاع ناآرام منطقه امکان حمله نظامی به ایران را منتفی می‌سازد. اما این بدان معنا نیست که آمریکا آرام بگیرد و در جهت محاصره و تضعیف رژیم و یا تقویت بخشی از اپوزیسیون خود فروخته سیاسی نکوشد. آمریکا با تحریم اقتصادی و خروج از برجام به آشفتگی و شورش‌های احتمالی در درون ایران چشم دوخته بود. اما نباید از این مسئله غافل بود که رژیم جمهوری اسلامی از مردم ایران بیشتر می‌ترسد تا از نیروی خارجی. از این روی همواره تمایل به کنار آمدن و دادن امتیاز بیشتر به آمریکا و دشمنان خارجی داشته است تا وارد شدن در جنگ و یا بستن تنگه هرمز! رژیمی که به مردمش متکی نباشد دست به هر خیانتی برای بقایش خواهد زد و جمهوری اسلامی تا کنونی چنین کرده است. انتخاب مسعود پزشکیان بعنوان رییس جمهور و نرمشی که او در رقابت انتخابات اخیر به راه انداخته است مورد توجه غرب قرار خواهد گرفت. اما پزشکیان کاره‌ای نیست. سیاست راهبردی رژیم را رهبری جمهوری اسلامی تعیین می‌کند و پزشکیان باید از آن پیروی کند. غرب می‌داند که پزشکیان مهره جمهوری اسلامی است و توان محدودی در پیشبرد سیاست بین‌المللی دارد. حتی اگر پزشکیان تا حدودی در سیاست بین‌المللی نرمش به خرج دهد اما آمریکا دست از سر رژیم بر نمی‌دارد و با توسل به تشدید تحریم و فشارهای خارجی می‌کوشد ایران را از جبهه چین و روسیه جدا سازد و طرح جاده ابریشم که گذار به نظم چند قطبی در جهان است را به شکست بکشاند. موفق باشید.\*

بود و نه استبداد مذهبی و گسترش فساد و تباهی. علل شکست انقلاب را باید در ضعف نیروهای آگاه بویژه حزب طبقه کارگر که همواره مورد سرکوب و پیگرد رژیم ارتجاعی پهلوی بودند دید. از این روی هر انقلابی که رهبری صحیح و انقلابی نداشته باشد مورد دستبرد نیروهای واپسگرا قرار خواهد گرفت و دچار شکست خواهد شد. در مبارزه اجتماعی پیروزی و شکست وجود خواهد داشت اما سرانجام خلق‌های پیروز خواهند شد و جامعه را به جلوسوق خواهند داد. امیدواریم بیشتر تعمق کنید و در افکار تان تجدید نظر نمایید. موفق باشید.

در مورد اینکه آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی چه می‌خواهد بطور مختصر رژیم باید تمام سیاست‌های منطقه‌ای و تجاوزات آمریکا را به‌پذیرد و به متحد او بدل شود، تا دست از سر او بردارد. تازه تضمینی نیست که دست از سرش بردارد و وی را به سرنوشت سرهنگ معمر قذافی دچار نسازد. مشوقان و مدعیان چنین سیاستی، مبلغ تسلیم و خیانت ملی‌اند. برای این عده آینده روشنی جز سرسپردگی برای امپریالیسم متصور نیست. اما این را هر انسان عاقل و آگاهی دانسته است با وجود استقرار یک رژیم دمکراتیک، که به حقوق مردم احترام می‌گذارد و مدافع حقوق بشر و زحمتکش‌شان است، فشار امپریالیسم بر ایران نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه با هزار ترفند و توطئه افزایش می‌یابد. زیرا سرمایه مالی به دنبال سیادت است و نه آزادی ملت و احترام به استقلال و دمکراسی. بنظر ما علت بحران کنونی و فشارهای آمریکا و تشدید تحریمها جدید علیه ایران ناشی از سیاست خارجی ایران نیست و در گذشته هم به علت سیاست هسته‌ای ایران نبود. رژیم جمهوری اسلامی ایران باید نفت و گاز و بازار و منابع طبیعی خود را تحویل انحصارات آمریکا دهد، به طور کلی باید پیرو سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا علیه چین و روسیه در نزاع منطقه‌ای و جهانی گردد، در غیر این صورت باید برود. ایران باید به پایگاه نظامی آمریکا و ناتو برای محاصره روسیه و پرشی برای دست‌اندازی در مناطق تحت نفوذ روسیه باشد. از این روی ایران مانع تحقق چنین سیاستی است و باید برود. آمریکا با چیره شدن بر ایران گام مهمی در تحقق سیاست‌های راهبردی خود و اعمال هژمونی بر سایر رقبا بر می‌دارد. این مانع همانند موانعی در لیبی و عراق و یا افغانستان و... باید برافتد. در شرایط کنونی احتمال تجاوز مستقیم نظامی به ایران

**بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!**

هیتلرها، جرج بوش ها، آریل شارون ها و نتانیاهو ها ... باید مجازات شوند. تا زمانیکه این افراد مجازات نشوند وجدان بشریت معذب باقی می ماند.

**از برای این همه خائن بود یک دار کم  
پر کنید! این بهن میدان را ز چوب دارها  
دارها چون شد بیا با دست کین بالا کشید  
بر سر دارها سالارها سردارها**

نقل از شاعر انقلابی ایران فرخی یزدی که بدست رضا شاه به قتل رسید حزب ما مخالف اعدام است ولی به بهانه مخالفت با اعدام افراد جداگانه، اعدام‌های دستجمعی میلیون‌ها انسان را در نوار غزه، در عراق، افغانستان، یوگسلاوی در ابو غریب و اوین و کهریزک مورد تأیید قرار نمی دهد.

ما مخالف اعدامیم ولی در عین حال از آن مخالف اعدامی که با اعدام یک نفر احساساتش جریحه دار میشود اما در اثر اعدام ها و کشتار جمعی و قتل عام ملت ها در یک سخن اعدام دستجمعی ککش هم نمی گردد شدیداً مبارزه می کنیم.

بشر دوستی که ما و انساندوستان واقعی به آن اعتقاد داریم تاریخی و برای ریشه کن کردن بنیادی اعدام است، موهومی نیست، فریبکارانه نیست، مانند پیروزی است که آن را باید کشان کشان بدست آورد و نه اینکه مردم را خواب کرد و برایشان لالایی خواند که مد روز شده است. بورژوازی که سرکوبگر خلق ها و طبقات فرودست جامعه است و از تمام امکانات قهر خود برای حفظ مناسبات مورد نیازش استفاده می کند برای تحقیر قهر به یک جنگ روانی و تبلیغاتی دست می زند تا مخالفان خود را از توسل به قهر انقلابی باز دارد. آنها در این مبارزه خود را «انساندوست» و مخالف را خشونت گرا و خونخوار جا می زند تا وضعیت برتر خود را طبیعتاً حفظ کنند. این وصف حال شغالگران صهیونیست است که سرزمین و خانه‌های فلسطینی‌ها را با خشونت و قهر اشغال کرده‌اند و از صلح و عدم توسل به قهر حرف می زنند. ترور خویش را مستقر ساخته‌اند و هر مقاومتی را با برچسب تروریسم محکوم می کنند. در این فضای ریاکارانه و آلوده بخشی از اپوزیسیون ایران با این ستمگران همدست شده و در مذمت مجازات اعدام که در واقع قهر و سرکوب طبقات حاکمه است همکاری روانی و تبلیغاتی می کند. اعدام عملی زشت، قتل عمد و مجازاتی غیرانسانی است. از این توصیف چنین درک می گردد که نباید به عمد با مجوز و یا بدون مجوز دولتی انسانی را که حق حیات دارد به قتل رسانید. نابودی و قتل یک انسان در نفس خود عملی شنیع و غیرقابل قبول است، حال می خواهد این امر با دستور دولت و یا بدون دستور دولت صورت گرفته باشد. این دولت می تواند جمهوری اسلامی باشد و یا ایالات متحده آمریکا. در تبلیغات ضد مجازات اعدام از نظر دور می افتد که این مجازات تنها به مناسبات حاکم سرمایه داری و یا به دوران روی کار آمدن دودمان پهلوی و یا جمهوری اسلامی ربطی ندارد. اعدام از زمان برده داری نیز وجود داشته است و یک معضل اجتماعی است و همواره در طی تاریخ به تناسب وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه شامل بزه‌های گوناگون می شده است. جرمی که در یک دوره، مجازات اعدام را به همراه داشته، در دوره دیگری فقط با زندان و یا قصاص کمتری پاسخ درخور می یافته است.....

برایتان موفقیت آرزو داریم. با ما در تماس باشید .  
یکی از این ممالک دموکرات و مهد حقوق بشر کشور فرانسه است. جنایاتی که این امپریالیسم در آسیای جنوب شرقی و آفریقا نموده است موی را بر بدن انسان راست می کند. شاید هنوز نسلی در قید حیات باشد که جنایات این امپریالیسم را در نیمه دوم قرن بیستم در الجزایر به یاد داشته باشد. \*



## پاسخ به یک پرسش در کانال تلگرام

**پرسش:** سلام به دست اندرکاران حزب توفان وبه شما خسته نباشید می گویم. رژیم اسلامی ایران برای توجیه اعدام‌هایش اعدام در دیگر کشورها بخصوص امریکا را مطرح می کند. ما انسان‌ها برای رسیدن به تمدن و تکامل از اندیشه، نیرو و امکانات یکدیگر سود می بریم، اگر بنا باشد که یکدیگر را با کشتن از بین ببریم، به سرنوشت دیگر جانداران که بطور غریزی زیست دارند (با نزدیک شدن زمین به خورشید در حرارت زیاد خاکستر شدن) دچار خواهیم شد. بنظر من انسان با غرق شدن در تنفر و نفرت از هم‌نوع، از انسانیت خارج و یکدیگر را به هلاکت می رسانند. با تشکر. امضا محفوظ. تهران

**پاسخ:** دوست گرامی، ضمن تشکر از پرسش‌تان، از نظر حزب ما انساندوستی با توهم داشتن و دردنیای ارزشی زندگی کردن فرق دارد. تا در جهان ستم در اشکال طبقاتی و غیروهست اعدام بر نمی افتد و ما باید این حقیقت را به مردم بگوییم درست اشاره کردید دوست عزیز شما اگر آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی بدست بیاورید باید آنها را بهر قیمت حتی با قهر حفظ کنید. وگرنه همون آدمهائی که مخالف آزادی و عدالت اجتماعی و استقلال هستند می آیند و دوباره همه را از شما می گیرند. کودتای ۲۸ مرداد با کمک انگلستانی که مخالف اعدام است و آمریکا انجام شد. رژیم جعلی و صهیونیستی اسرائیل در "کشور" اعدام نیست ولی فلسطینی‌ها را دستجمعی می کشد. یعنی اعدام جمعی می کند. در طول ۹ ماه اخیر طبق روزنامه معتبر **لنست** ۱۸۶۰۰۰ نفر فلسطینی توسط اسرائیل بطور جمعی کشته شدند. همین کار را آلمان‌ها که در کشورشان اعدام نیست یا کانادائی‌ها و هلندی‌ها و دانمارکی‌ها در عراق و افغانستان ولیبی کرده می کنند. می بینید چقدر این دولت‌ها که پرچم لغو اعدام را برافراشتند ریاکارند. خطابه‌های ضد اعدامشان از بسیاری چپ‌های لیبرال وطنی بهتر است. با عرض پوزش، شما متأسفانه در دنیای واقعی زندگی نمی کنید و با موعظه می خواهید مردم را در مقابل غارتگران روح انسانی خلع سلاح کنید و اسمش را بگذارید انسانیت. جمهوری اسلامی آدمکشیش به امریکا ربط ندارد و آدمکشی امریکا هم مربوط به اسلام نیست آنها در همه جهان آدم می کشند چون منافعشان ایجاب می کند و این منافع تمامی ندارد. در کار کارزار ضد اعدام مغلظه نباید کرد. فرق است میان جرم‌های عادی و خیانت به یک ملت، به یک کشور، به بشریت. جنایتکاران جنگی نظیر

## اطلاعیه

◆ رئیس دفتر سیاسی سازمان مقاومت حماس در تهران ترور شد. این ترور جنایتکارانه را بشدت محکوم می کنیم.

اسماعیل هنیه رهبر سازمان حماس که برای مراسم تحلیف رئیس جمهوری به ایران آمده بود در یکی از اقامتگاه‌های ویژه جانبازان در شمال تهران با اصابت پرتابه ای از هوا ترور شد. این ترور جنایتکارانه یک روز پس از حمله هوایی رژیم صهیونیستی اسرائیل به جنوب بیروت رخ داد و بی تردید با همکاری امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است:

**یکم:** قبل از هر چیز ترور جنایتکارانه هنیه در تهران یک رسوایی امنیتی برای جمهوری اسلامی است و این اقدام باردیگر نشان می دهد که عوامل صهیونیسم در ایران از نفوذ چشم گیری بر خوردارند.

**دوم:** این ترور بزدلانه نشان از ضعف رژیم صهیونیستی اسرائیل است که پس از ۱۰ ماه در جنگ علیه جنبش مقاومت حماس هیچ دستاوردی نداشته و با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. عملیات ترور در تهران و بیروت یک پیروزی کوتاه مدت و غذای موقتی برای افکار عمومی اسرائیل و فرار نتانیاهو از بحران داخلی است.

**سوم:** ترور در تهران و بیروت بدون هماهنگی آمریکا ممکن نبوده است. هدف از این ترور در سیاست کلان درهم کوبیدن جنبش مقاومت حزب الله لبنان در جنگی نابرابر، تضعیف محور مقاومت و سرانجام تضعیف و مهار ایران است.

رژیم صهیونیستی اسرائیل در شرایط کنونی و شکست در غزه راهی جز گسترش جنگ در منطقه و انحراف افکار عمومی از باتلاقی که در آن گرفتار آمده است نمی بیند. پرسش این است آیا امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی امکان شرکت در چنین جنگ احتمالی و بزرگ منطقه ای را داراست؟ پاسخ منفی است. آمریکا به دلایل داخلی و بین المللی فاقد چنین توانی است و از فراگیر شدن جنگ در منطقه پرهیز خواهد کرد. اقدامات کنونی در بیروت و تهران فقط برای ترمیم شکست اسرائیل در غزه و منطقه و پوشاندن ضعف کل قدرتهای غربی دراو کراین و در صحنه جهان است.

نظم کهن تک قطبی در جهان به سرکردگی آمریکا سالهاست ترک برداشته و امکان احیا و باز سازی ندارد و اقدامات تبهکارانه تروریستی، تحریک و تنش در عرصه جهانی پاسخ گوی ممانعت به پیشروی از نظم چند قطبی در جهان نخواهد بود. شکستش محتوم است.

حزب کار ایران (توفان)

۱۰ مرداد ماه ۱۴۰۳

<https://t.me/totoufan>



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						